

سال دوم دوره دوم

# رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

سهشنبه ۱۶ اردیبهشت ۵۹ شماره ۴۸ تکشماره ۱۰ ریال

انتخاب دوره دوم مجلس شورای ملی

## معیارهای سیاسی به مردم

### ارائه دهید

خواهد گشت، دارای اهمیت سیاسی خاصی است. مادرآستانه دوره اول انتخابات مجلس اعلام کردیم که مجلس شورای ملی باید تبلور اتحاد بزرگ ملی باشد و گفتیم: ما اکنون شاهد

دوره دوم انتخابات مجلس شورای ملی روز جمعه ۱۹ اردیبهشت ماه انجام خواهد شد. این دوره انتخابات، از آنجاکه طی حدود دو سوم نمایندگان برگزیده شده و ترکیب قطعی مجلس تعیین

## علاج واقعی بحران «کیهان»

در صفحه ۴

## گسترش مناسبات با شوروی به زیان استقلال ایران است

دوره‌های اخیر همزمان با تشدید مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و تجاوز نظامی این ابرقدرت به خاک میهن ما، دولت جمهوری اسلامی اقدام به عقد سریع یک سلسله قراردادهای گوناگون اقتصادی با شوروی و کشورهای "بلوک شرق" نموده است.

## بار فقای شهید خود پیمان بندیم

مادر شهید تقی سلیمانی:

همه این عزیزان خون سرخشان را به ملت ایران

هدیه کردند

در صفحه ۶

سخنرانی  
رفیق  
مجید زر بخش  
عضو کمیته مرکزی  
حزب رنجبران ایران



لایحه  
میتیم



اطلاعیه حزب رنجبران ایران (بخش تهران)

## پیروزی مبارزات بحق کارگران کوره پزخانه

نشان داد که بدون شرکت کارگران زحمتکش، پیروزی انقلاب ممکن نبوده و امروز نیز بیشتر از همه مبارزه برای حفظ استقلال میهن در برابر خطر امریکای جنایتکار روسیه تجاوزگر

بقیه در صفحه ۲

حزب رنجبران ایران (بخش تهران) با انتشار اعلامیه‌ای پشتیبانی بیدریغ خود را از خواسته‌های بحق هزاران کارگر زحمتکش کوره‌پزخانه‌های اطراف تهران، اعلام داشت.

کارگران کوره‌پزخانه‌های خاتون

## مارشال تیتو در گذشت

در صفحه ۵

لیست کاندیداها ی مردم مورد پشتیبانی حزب رنجبران ایران

حزب رنجبران ایران به پیروی از خط مشی اتحاد بزرگ

# چرا کارگران از مراسم اول ماه مه استقبال گسترده نمودند

در صفحه ۳

# سیاست خشونت آمیز سرکوب و تیرباران را متوقف کنید

روز گذشته (۱۳/۲/۵۹) خبر اتمام محاکمه و تیرباران دوتن از دستگیر شدگان درگیری های اخیر دانشگاه اهواز اعلام گردید. مردم با بهت و حیرت با تاسف و نگرانی این خبر را دریافت کردند. ما بار دیگر اعتراض شدید خود را نسبت به این گونه محاکمه ها و مجازات ها ابراز داشته و خود را در غم خانواده های آنان سهیم و شریک میدانیم. این گونه با عجله افراد را محاکمه کردن تحقیقات وسیع و همه جانبه نکردن مردم را در جریان امور نهادن، احکام سنگین و تیرباران صادر کردن، و بلافاصله بمرحله اجرا درآوردن با هیچ یک از موازین انقلاب مطابقت ندارد. ما برای جندمین با ازمقنات مسئول قاطعانه میخواستیم که اولاً هیچ حکم اعدامی در مورد دستگیر شدگان حوادث اخیر دانشگاه اهواز صادر و بمرحله اجرا گذارده نگردد و ثانیاً هیاتی از طرف ریاست جمهوری برای رسیدگی بعزل درگیری های دانشگاه اهواز، وضعیت دستگیر شدگان و اوضاع دادگاه انقلاب اسلامی اهواز فوراً به خوزستان اعزام گردد.

سیاست خشونت آمیز و سرکوب و تیرباران را متوقف کنید امنیت جانی دستگیر شدگان حوادث اخیر باید تضمین گردد

طرفداران حزب رنجبران ایران دزفول و اندیشک ۵۹/۲/۱۳

در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته های شان برای افزایش دستمزد، تامین بیمه و بهداشت و... دست از کار کشیده بودند، همچنان باشکال مختلف به اعتراض و مبارزه خود برای دست یافتن به خواسته های خویش، ادامه میدهند. اطلاعیه حزب رنجبران ایران را که در زیر میخوانید مورد استقبال کارگران کوره پزخانه ها قرار گرفته است:

انقلاب اسلامی ایران بخوبی



## تلگرام تسلیت حزب رنجبران ایران به شورای رهبری و ملت یوگسلاوی

حضور رئیس جمهور، شورای رهبری و ملت یوگسلاوی

درگذشت رهبر عالیقدر شما پرزیدنت گروزت پوروس تیتو باعث تاسف و تأثر عمیق ما است. رهبر فقید شما تمام عمر خود را صرف مبارزه خستگی ناپذیر در راه حفظ استقلال و عدم وابستگی یوگسلاوی و کلیه خلق ها، ملل و بقیه در صفحه ۲

# گروه های ویژه ضربتی آمریکا و روسیه دو قلوهای شیاطین

خودمیزانند و آنرا سبب قدر قدرتی و زیرکی خود را در امور نظامی بحساب میاورند، سوسیال - فاشیستهای روسی نیز برای تجاوز مخفیانه ویا علنی خود به سایر کشورها "کلاه سیاه" های خود را دارند. وجود "کلاه سیاه" ها و خصوصیات آنان را ژنرال پ. ملنیکوف روسی در "مجله نظامی شوروی" اینطور توصیف میکند: "... تعهد ایدئولوژیکی وفاداری، استقامت، چابکی، مهارت در تیراندازی، مهارت در یکباربرد سرنیزه و نارنجک توانایی در "جابجائی" بر روی زمین های نا آشنا در شب و روز، قابلیت استتار، ... نیرومندی در تهاجم و ... کلاه سیاه های روسی دارای همان ایدئولوژی فاشیستی کلاه سبزه های آمریکایی میباشد و همان اهداف تجاوزگاران را دنبال میکنند. تمرینات کلاه سیاه شامل بقیه در صفحه ۲

امپریالیستهای روسی نیز برای آنکه از رقیب خود و آدمکشی، خیانت و تجاوز عقب نمانند مدت ها است که دست با ایجاد تفنگداران دریائی ویژه خود زده اند. در زیر گزارش مختصری داریم از کماندوهای "نورآبی" آمریکا و تفنگداران "کلاه سیاه" روسی:

### «کلاه سیاه» های روسی

امپریالیسم نوحاسته شوروی همانند امپریالیسم آمریکا دارای واحدهای ضربتی و تهاجمی تفنگدار دریایی میباشد. کماندوهای ضربتی روسیه نه تنها در تخصص، سرعت و جنایت شباهت بیشماری به کماندو های آمریکائی دارند، بلکه در نام نیز مشترک میباشد. اگر امپریالیستهای آمریکایی به واحدهای "کلاه سبز"

ملی، در مرحله دوم انتخابات ازکا ندیدا های زیر در تهران و شهرستانها پشتیبانی نموده و از اعضاء، هواداران و همهمه هم میهنان دعوت میکنند که به این کا ندیدا ها رای دهند: تهران

- ۱- دکتر محمد مبلغی اسلامی
  - ۲- دکتر کاظم سامی
  - ۳- سید فتح الله بنی صدر
  - ۴- یدالله سبحانی
- شهرستانها
- لنجان و لیا (زرین شهر)
  - دکتر احمد غضنفر پور
  - رشت
  - محمد خزائی
  - خرم آباد
  - مرتضی اعظمی لرستانی
  - کرمانشاه
  - دکتر کریم سنجابی
  - بندرانزلی
  - مهندس ابوالقاسم حسین جانی
  - بروجرد
  - محمدهادی برومند

البته هیچ ایرانی سلیم العقلی نمیتواند با حرف قرارداد با شرق یا غرب مخالف باشد. قراردادهای اگر بر پایه احترام به استقلال کشور ما مبتنی باشند باید که منعقد شوند. لکن، حرکت عجولانه و سریع دولت بسوی شرق و ابعاد گسترده مناسباتی که با شوروی برقرار میکند نافی اصل استقلال ما نسبت به دو ابر قدرت است. ما بارها گفته ایم که مناسبات ما با دو ابر قدرت بجای اینکه افزایش و گسترش یابد باید به حداقل رسانده شود. بهیچ وجه نباید به این دو غول جهانخوار اجازه داد از طریق قراردادهای اقتصادی نقش مهمی در تجارت خارجی و تامین نیازهای ما برعهده گیرند و از این طریق بر بخشی از حیات جامعه ما چنگ اندازند. خصوصیت سلطه گرانه ای که این دو ابر قدرت را از قدرتهای امپریالیستی دیگر متمایز میسازد، در همین تمایل ناگزیر آنها به چنگ اندازی و سلطه بر اقتصاد ما است، تمایلی که از قدرت اقتصادی غول آسای آنها و مقام سیاسی سیادت طلبانه آنها در صحنه جهانی ناشی میشود، در صورتی که سایر قدرتها از این امکان - امکان سلطه بی چون و چرا - بی بهره اند.

البته درک این حقیقت در مورد امپریالیسم آمریکا آسان است، لیکن در مورد ابر قدرت شوروی چطور؟ حرکت اخیر دولت به این سؤال پاسخ منفی میدهد. پروتکل عریض و طویل ایران با شوروی نه تنها ناقض اصل حداقل رابطه با دو ابر قدرت بلکه گشاینده شاهراهی است به سوی شرقی در راه آن ابر قدرت حریص، حیلہگر و متجاوز روس. برآستی اگر چنین قراردادی با آمریکا بسته شده بود (حتی بصورت پروتکل و نه قرارداد رسمی) چه مخالفت عظیمی را در میان نیروهای سیاسی جامعه برمی انگیزد! حال چرا باید در برابر شوروی که به اعتقاد رهبران جمهوری اسلامی از آمریکا کم خطر تر نیست، چنین حساسیتی موجود نباشد؟

آیات تشدید مبارزه ما علیه امپریالیسم آمریکا و تشدید تحریکات مستقیم و غیر مستقیم این امپریالیسم علیه استقلال و انقلاب ما، میتواند مجوزی برای گرایش به شرق باشد؟ هر عنصر استقلال طلبی نه تنها به این سؤال پاسخ منفی میدهد، بلکه بروشنی درک میکند که دقیقاً در این شرایط است، یعنی در شرایط تشدید مقابله با آمریکا، که جمهوری اسلامی ما باید امتحان خود را، امتحان حقانیت و صلابت خط "نه شرقی، نه غربی" خود را پس بدهد. سوسیال امپریالیسم مکار شوروی درست به این امید نشسته است که ما را در تنگناهای بیگانه طولانی ضد امپریالیستی ملت ما بدهد ما مهیب خود در افکند پس با سست کردن در چنین شرایطی و درست در چنین شرایطی تنها میتواند غباری از تسلیم را بر چهره جمهوری اسلامی ما بنشانند. جمهوری اسلامی ما اکنون و درست اکنون است که باید نشان بدهد آن بیدی نیست که به این بادها بلرزد و سرخم کند، بلکه درخت تناوری است که در توده های میلیونی مردم ریشه دارد و از اینرو قادر است به رغم توفان سربای خود بایستد و سر بلند باقی بماند. برعکس، گسترش مناسبات با شوروی بطریق که دولت پیشه کرده است و بخصوص جدا از اطلاع و آگاهی مردم و افکار عمومی، تنها میتواند به زبان استقلال کشور ما تمام شود. ناگفته نماند که این حرکت بسوی شرق دولت جوانب قابل بررسی متعدد دیگری نیز دارد که مادر آینده آنها را بررسی خواهیم کرد.

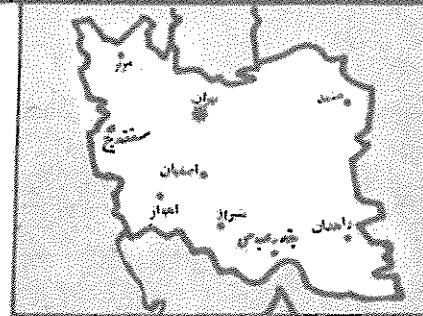
## وحدت کشورهای اسلامی منطقه خلیج فارس بسود انقلاب است

مواضع انقلاب اسلامی و دولت جمهوری اسلامی ایران برای آن ها بوده است. این کشورها انتظار داشتند موضع اصلی و واقعی جمهوری اسلامی ایران را از زبان یک مقام رسمی بشنوند - مبنی بر اینکه ایران بقیه در صفحه ۲

صادق قطب زاده وزیر امور خارجه در هفته گذشته به کشورهای عربی منطقه خلیج فارس سفر کرد و نتایج این سفر را در مصاحبه خود (بعد از ظهر شنبه ۱۳ اردیبهشت) تشریح نمود. وزیر امور خارجه گفت که این سفر برای تبادل نظر و توضیح

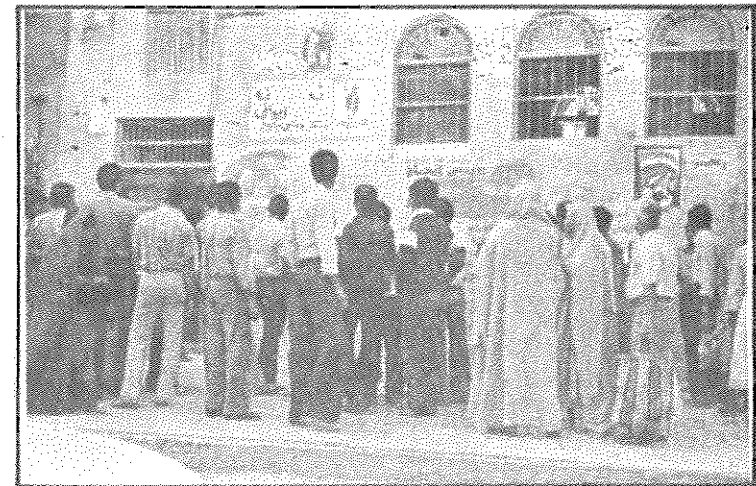


# گزارشات شهرستانها



## افشاگری هواداران حزب

### در بوشهر



بوشهر- هواداران حزب رنجبران ایران (بخش بوشهر) طی اعلامیه‌ای چندتن از مزدوران حزب توده را که در شهر بوشهر به پاک کردن سخنان امام در رابطه با شرق تجاوزگر و غرب جنایتکار و پاره کردن شعارهای حزب رنجبران پرداخته بودند افشا کردند.

در قسمتی از این اعلامیه آمده است:

مردم مبارز و شرافتمند بوشهر:

ما هواداران حزب رنجبران ایران طی اعلامیه‌ای شمارا در جریان پاره کردن سخنان کوتاه امام در مورد شرق تجاوزگر و غرب جنایتکار و همچنین شعار مرکزی حزبمان "نظامی، نه روسیه، زنده باد ایرانی مستقل و متکی بخود" که روی پارچه نوشته شده و در بالا روی بوی بانگ ملی شعبه مرکزی نصب گردیده بود قرار دادیم. اکنون بر اساس اصولی که بدان معتقدیم یعنی اول تحقیق و بررسی و بعد اعلام موضع، به این نتیجه رسیده‌ایم: کسانی که گفتار امام خمینی و شعار مرکزی حزب ما را پاره کرده‌اند عنقریب از حزب توده نوکر درجه یک سوسیال امپریالیسم شوروی میباشند.

اینان که بدروغ خود را پیرو خط امام معرفی مینمایند اخیرا به پاک کردن شعارهای حزب ما که هم‌عروزی استقلال ایران عزیز و عدم وابستگی به امریکای جنایتکار و شوروی تجاوزگر پافشاری میکنند اقدام کرده و هرچا کلمه شوروی امپریالیستی در کنار آن نوشته شده آنها برای گرفتن مزد بیشتر فوراً آنها پاک میکنند.

حزب رنجبران ایران - بخش بوشهر

## گروههای ویژه . .

تمرینات در یاتی، زمینی آتشبار و روانشناسی میباید و در عملیات تخریبی، پیاده کردن قوا... تمرین میبینند. بنایه اظهار ژنرال ملینکف یکی از مشکلترین تمرینات تفنگداران دریایی روسها پیاده کردن نیرو از آب به خاک میباشد. در این تمرینات تهاجمی کلیه افسران دریائی، تفنگداران، تجهیزات کامل شامل تانک توپ و غیره بکار برده میشود کلاهسپاهها هم چنین با گروه "پارتیزانی کا.گ.ب" همکاری نزدیک دارند و در تمرینهای یکدیگر شرکت میکنند.

کلاهسپاهها در ماهیت هیچ گونه تفاوتی با کلاهسپاهها و یانورابیها ندارند. تنها اختلاف آنان در این است که کوماندوهای امریکایی در خدمت سرمایه‌داری انحصاری و ماشین عظیم جنگی امپریالیسم امریکا میباشند در حالیکه کلاهسپاهها در خدمت اهداف سطره جویانه و جنگ افروزانه سرمایه‌داری انحصاری

بوروکراتیک و فاشیست سوسیال - امپریالیسم شوروی قرار دارند.

## « نور آبی » های آمریکائی

واحد نظامی "نورآبی" دو سال و نیم قبل در آبان ۵۶ در یک زندان نظامی در نزدیکی پایگاه ارتشی "فرت برگ" در ایالت کارولینای شمالی بوجود آمد. پایگاه "فرت برگ" خود محل آموزش و تربیت نیروی "ویژه ضربتی" صد و ده هزار نفری امریکا در خلیج فارس میباشد و با سازمان "سیا" همکاری نزدیک دارد. تیم "نورآبی" از ۱۸ تا ۳۰ نفر و اغلب از طلبان زبختهای سه گانه قوای نظامی امریکا تشکیل شده است. ولی در زیر فرماندهی ارتش امریکا قرار ندارد بلکه در زیر نظر "شورای امنیت ملی" امریکا و هیئتی از قوای سه گانه وظایف تخریبی خود را به پیش میبرد.

فرمانده تیم "نورآبی" سرهنگ چارلز یک ویت میباشد که بعلت سابقه و تجربیاتی که در امر عملیات تهاجمی ضربتی دارد بفرماندهی این تیم گمارده شده است، بکویت در سال ۴۵-۴۴ توانست یک تیم ۲۵۰ نفری کلاهسبزها را در پشت جبهه ویت-کنگها بزمین بنشانند و آنرا رهبری کند.

## اطلاعیه حزب رنجبران

بردوش کارگران است. امامبارزه استقلال طلبان مردم ما وقتی به پیروزی کامل میرسد که خواسته‌های حیاتی کارگران و زحمتکشان برآورده شود.

کارگران مبارز کوره‌پز خانه‌ها سالیان درازی است که بار سنگین ستم را بردوش داشته‌اند. کمی دستمزد، سختی و زیاده‌بودن ساعات کار و زندگی در مرحله‌های سراسر از لجن و زباله، نداشتن ابتدایی‌ترین وسایل زندگی، نداشتن حق بیمه و بازنشستگی به شدت کارگران را زیر فشار قرارداده است.

سختی زندگی به حدی است که حتی کودکان نیز به جای درس خواندن باید در تمام روز کار کنند، مگر نه اینکه ارتش ۲۰ میلیونی ما را بر علیه امپریالیست‌ها همین کارگران زحمتکش تشکیل میدهند؟ اما متاسفانه با گذشت حدود یکسال و نیم از انقلاب، وزارت کار و مقامات مسئول اقدام مهمی برای بهبود زندگی این زحمتکشان انجام نداده‌اند و به اعتراضات به حق کارگران تا کنون پاسخ مثبتی نداده‌اند. بخصوص اینکه در طول یکسال گذشته قیمت‌ها بسیار بالا رفته اما دستمزد کارگران کوره پزخانه نه تنها زیاد نشده بلکه کمتر هم شده است و این فشار روز افزون کاسه صبر کارگران را لبریز و آنها را وادار به اعتصاب نموده است و اینجاست که باید پرسید چه کسانی مسئول این اعتصابات هستند؟ و یا بی توجهی و رسیدگی نکردن به وضع کارگران ناراضی‌ها را دامن زده و در صف وحدت ملت بر علیه ابرقدرتها شگاف انداخته و آب به آسیاب ضد انقلاب میریزد؟

در جواب باید گفت کارفرمایان و وزارت کار با همان قوانین ضد کارگری دوران طاغوت در مقابل کارگران قرار گرفته و سبب اعتراض و اعتصابات کارگران میشوند.

حزب رنجبران ایران بی توجهی مقامات مسئول را نسبت به خواسته کارگران محکوم مینماید و از مبارزه کنونی کارگران زحمتکش کوره‌پزخانه برای افزایش دستمزد و بهبود وضع کار و زندگی پشتیبانی مینماید، و دولت را موظف میدانند، در شرایط کنونی که خطر ابرقدرتهای امریکا هر سه استقلال کشور، ما را تهدید

## معیارهای

نمیپذیرند. اکنون بیش از هر زمان دیگر روشن گشته است که حفظ دستاوردهای انقلاب و ادامه پیروزمند آن به اتحاد بزرگ ملی مرکب از سه جریان اساسی جامعه ما: اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی بر اساس سه اصل خلق: استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و بویژه رفاه زحمتکشان وابسته است. اکنون بیش از هر زمان روشن گشته است که ادامه انقلاب نیاز به یک برنامه سیاسی روشن که منافع اساسی اکثریت مطلق خلق را در بر داشته و تضمین کننده وحدت بزرگ ملی باشد، نیاز دارد. اما هنوز هستند نیروها و کسانی که علیرغم این نیاز میرم جامعه ما، بجای پاسخگویی به آن در فکر بانحصار در آوردن کرسی‌های مجلس و یا تقویت فراکسیون پارلمانی خود هستند. آنها بجای ارائه برنامه سیاسی و راه حل‌های اساسی مشکلات موجود، در فکر بندوبست و ائتلاف از بالا هستند. آنها تلاش میکنند توده‌ها را از بحث و جدل بر سر معیارهای سیاسی انتخاب شوندگان و برنامه سیاسی آنان باز داشته و منوجه جدال‌های فرقه‌ای خود نمایند.

چنین سیاستی اگر موفق شود، مجلس شوراراکه باید ارگان نظم و ثبات دهنده به جامعه باشد به مرکز جدال‌های فرقه‌ای و اغتشاش تبدیل خواهد کرد.

اکنون در آستانه دوره دوم

## وحدت کشور

هیچگونه نظری نسبت به تمامیت ارضی آنان ندارد.

قطب زاده توضیح داد که این کشورها پس از اطلاع از مواضع ما، نظرات ما را در مورد مبارزه بر علیه ابر قدرتها تأیید کرده و اعلام همکاری بیشتر نمودند. از جمله این کشورها حاضرند در زمینه کاهش تولید نفت خود با ایران همکاری کنند. در مجموع این سفر به ایجاد تفاهم و وحدت میان کشورهای منطقه کمک بزرگی کرده است.

از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در میهن ما تاکنون یک برداشت نادرست از "صدور انقلاب" به کشورهای اسلامی منطقه در میان حاکمین موجود بود. در این میان برخی از شخصیت‌ها بدون آنکه در

انتخابات، رسیدگی به تقلبات و تخلفات دوره اول بهیچ وجه صورت نگرفته و کمیسیون ۷ نفری مامور اینکار هیچ موضعی اعلام ننموده و ناراضی‌تی شدید توده‌ها از این بابت بجای خود باقیست، و این ناراضی‌تی یقیناً بصورت بی تفاوتی توده‌ها و عدم شرکت وسیع آنان منعکس خواهد گردید. همچنین در آستانه دوره دوم انتخابات مسئله چگونگی و معیارهای گزینش نمایندگان تحت الشعاع دیگر مسائل روز گشتم که این

خود تا حد زیادی ناشی از سیاست تبلیغاتی انحصارطلبان است. باین وصف با اعتقاد ما باید از فرصت کوتاه باقی مانده استفاده کرد و مبارزه انتخاباتی را به بحث وسیع توده‌ای تبدیل نمود تا در طی آن با معیارهای:

- استقلال طلبی، دفاع از شعار نه شرقی نه غربی و سازش ناپذیری در برابر دو ابر قدرت
- دفاع صادقانه از انقلاب اسلامی و امام خمینی
- آزادی خواه بودن و مبارزه از انحصار طلبی و قدرت طلبی
- و دفاع قاطعانه از وحدت ملیتهای ایران و منافع خلق خصوصاً رفاه زحمتکشان،
- تا توده‌های میلیونی قادر گردند مناسبترین انتخاب را میسران کاندیداهای باقی مانده انجام دهند و با انتخاب ترکیب مناسبی از نمایندگان مجلس شورایی بتوانند وظایف خطیر خود را به انجام رسانند.

مورد بهره برداری ابرقدرتها قرار گرفته، به تشدید وابستگی ها کمک می‌کند. و بالعکس کمک و همکاری ایران باین کشورها به جریسان استقلال خواهی در منطقه یاری خواهد رساند.

بدون شک ما باید پشتیبان انقلاب و جنبشهای اصیل آزادیبخش که مستقل از دوا بر قدرت مبارزه می‌کنند باشیم. اما انقلاب هر کشور بر پایه رشد تضادهای عینی خلقی های آن کشور با امپریالیسم و رژیم وابسته به آن رشد کرده و به پیروزی می‌رسد و نقش عامل خارجی تنها میتواند تعبی و کمکی باشد و لذا این تصور که گویا میتوان انقلاب ایران را که زاده ویژگی‌های خاص خود است در هر جای دیگر و بدون توجه به واقعیات عینی توده‌ها پیاده کرد، به یک ماجراجویی ختم میشود که به سده‌ها، سده‌ها تحولات ده‌اب قدرت

# یک پاسدار در مشهد

مشهد - ۱۴ اردیبهشت - در یک درگیری که بین چند تن از پاسداران انقلاب و دو نفر از عوامل ضد انقلاب در مشهد روی داد یک پاسدار به شهادت رسید و دونفر دیگر مجروح شدند. بدین مناسبت حزب رنجبران ایران بخش خراسان طی اعلامیه‌ای این عمل را محکوم ساختند.

در قسمتی از این اعلامیه آمده است:

"در عرض یک سال و چند ماهی که از پیروزی انقلاب اسلامی ما به رهبری امام خمینی می‌گذرد، سپاه پاسداران بعنوان یک نهاد انقلابی نقشی بس ارزنده در ایجاد نظم انقلابی در دفاع از استقلال و مرز و بوم میهن ایفا نموده است. این برداران به راستی سربازان راستین دفاع از استقلال در برابر امپریالیسم جهانی بویژه دو ابرقدرت جهانخوار آمریکا و روسیه بوده‌اند و در این راه بر افتخار شهادی بیشماری تقدیم نموده‌اند...

در مبارزه علیه امپریالیسم آنها بر خلاف بعضی نیروهای باصطلاح "پیشرو" و "خلق" که پایشان در مبارزه علیه سوسیال امپریالیسم روسیه و حتی امپریالیسم آمریکا می‌لنگد، قاطعانه در مبارزه علیه دو ابر قدرت آمریکا و روسیه جانفشانی نموده‌اند..."

# درگیری در دانشگاه زاهدان

زاهدان - ۶ اردیبهشت

در حوادث دانشگاه زاهدان در هفته اول اردیبهشت عده‌ای مجروح شدند و خسارات زیادی به این دانشگاه وارد آمد.

در روز حادثه مردم ابتدایی دانشسرای که در نزدیکی مسجد جامع قرار دارد حرکت کردند و پس از تحویل گرفتن ستادها و سپردن آن به رئیس دانشسرا بطرف دانشگاه که در خارج شهر قرار دارد راهپیمایی کردند. جمعیت بسیار زیاد و در حدود پانزده تا بیست هزار نفر بودند و بطور منظم و آرام بطرف دانشگاه حرکت میکردند و هیچگونه وسیله‌ای نیز بهمراه نداشتند. یک ماشین بابلندگو در طول راه شعارهای مردم را اعلام میکرد.

از طرف دیگر نیروهای مستقر در دانشگاه از قبل تدارک درگیری با مردم را دیده بودند. آنها از صبح زود در محل دانشگاه به چند گروه تقسیم شده و اکثراً مجهز به چماق و چوب بودند و در همین حال به دستهایشان نخ و پارچه بسته بودند تا نشانهای باشد و در صورت زد و خورد و شلوغی خودی‌ها را نزنند. در دانشگاه مردم ابتدا "اطاق کوه" را گرفتند و سپس بطرف ستادها حرکت درآمدند. پس از مقداری پیش روی بطرف ستادها از مردم خواسته شد که صبر کنند تا نمایندگان بروند و مذاکره را برای پس گرفتن ستادها بعمل آورند. حدود نیم ساعت گذشت و چون نتیجه‌ای گرفته نشد بلندگو اعلام کرد که به جلو خواهیم رفت. در همین زمان از طرف مدافعین ستادها چندین سنگ بطرف مردم پرتاب شد و مردم هم که چندین کیلومتر در زیر آفتاب راه پیمایی کرده بودند و انتظار کشیده بودند بطرف سنگ‌ها و مصالح ساختمانی ریختند و در چند لحظه هزاران سنگ بطرف مدافعین پرتاب کردند و شروع به حمله و تعقیب مدافعین ستادها نمودند.

در این درگیری حدود ۲۰۰ نفر دستگیر شدند از دستگیر شدگان عده‌ای بعد از ظهر همان روز آزاد شدند و حدود ۶ نفر نیز به تهران فرستاده شدند. در مورد دستگیر شدگان مسئول سپاه پاسداران می‌گفت: "این عده در آنجا (محل بازداشت) نیز دست به تحریک می‌زدند و شعارهای ضد اسلامی میدادند و با شعار مرگ بر ارتجاع در برابر سپاه پاسداران، آنان را تحریک میکردند تا از طرف پاسداران به آنها حمله شود و از این طریق بتوانند برای خود حقانیت کسب کنند."

و شاق میباشد. بطور نمونه میتوان از "قدم روی" ۶ کیلومتری آنها که با تمام تجهیزات کامل بر روی پشت‌شان انجام میگردد نام برد.

در عملیات نافرجام "نورآبی"ها به ایران یک تیم ۹۰ نفری که بنام تیم "دلتا" هم خوانده میشدند شرکت داشتند. همراه این تیم پنج متخصص بیپوشی و چند پزشک در این عملیات شرکت کردند.

# سخنرانی رفیق

قدرت حکومت مرکزی و اختیارات رئیس جمهور منتخب مردم، به اشکال مختلف از توطئه‌ها تحریک و اختلال و خرابکاری، در راه ادامه انقلاب ایران ایجاد مانع کرده و حتی در موارد متعددی مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان ایران را به اتهامات واهی و با برداشتن چماقهای گوناگون سرکوب میکنند.

ما زمانی خواهیم توانست به عهد خود در برابر شهیدان انقلابمان وفا کنیم، ما زمانی خواهیم توانست برچی را که بدست ماسپرده‌اند با شایستگی به سرانجام خود برسانیم، ما زمانی خواهیم توانست ایرانی مستقل و متکی بخود، ایرانی بدور از سلطه دو ابرقدرت آمریکا و شوروی بسازیم که در حین حفظ هوشیاری خود در برابر ابرقدرتها و در حین ایجاد وسیعترین جبهه مقاومت برابر انواع تجاوزات و تهدیدات

میشوند و تعصیل و تحریکات و مراکز تولید به زیان کشور است به خواسته‌های برحق و حیاتی کارگران رسیدگی نمایند تا با حفظ وحدت ملی در راه کسب استقلال کامل کشور قدم برداریم.

زنده باد وحدت انقلابی کارگران و سایر طبقات خلقی علیه دو ابر قدرت جهانخوار آمریکا و روسیه

احتمالی، در حین مبارزه با عمال داخلی ابرقدرتها، به مبارزه خود علیه هرگونه اختلال در صفوف خلق، به مبارزه خود علیه هرگونه اجحاف و ستم و تبعیض نسبت به زحمتکشان و به مبارزه خود علیه هرگونه تحدید آزادیها ادامه دهیم و از درون این مبارزه، از طریق پیوند این سه اصل استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی امر بزرگ وحدت سه جریان بزرگ تاریخی، امر بزرگ وحدت اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی را که ضامن استقلال، آزادی و سکوفایی میهن ماست محکم در دست گیریم و تا آخرین قطره خون پیمان ببندیم، با رفقای شهید خود پیمان ببندیم که این مبارزه را همچو آنان با استواری و بدون تردید، بدون وحشت از قربانی، بدون وحشت از سختیها تا پیروزی نهایی ادامه دهیم.

یاد همه شهیدان انقلاب ما گرامی باد

**ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید**

کمکهای خود را

به حساب بانکی نیرواریز بنائید: تهران - شعبه خیابان ایرانشهر

شماره حساب ۴۵۳۸

رفقا، دوستان

در پاسخ گویی به دعوت حزب برای کمک جهت رفع مشکلات مالی، جنبش تقویت بنیه مالی حزب با شور و شوق اعضا و هواداران و دوستان حزب روبرو شده که بخشی از کمک‌ها را در لیست زیر درج می‌کنیم:

دوست مبارزی از تهران	۱۰۰۰ ریال
آقای ت. سرساری	۱۰۰۰ ریال
آقای مجتبی تبریزی (تبریز)	۵۰۰۰۰ ریال
آقای اسفندیار (مشهد)	۷۵۰ ریال
دوست مبارزی از خارج کشور	۱۰۰۰۰ ریال
دوست مبارزی از خارج کشور	۹۳۰۰۰ ریال
آقای مهرداد (تهران)	۱۰۰۰۰ ریال
آقای کوروش کتابی (تهران)	۵۰۰۰ ریال
	۲۰۰۰۰ ریال

مهم رسانی باشد بدون احساس مسئولیت اظهاراتی می‌کردند که باعث نگرانی در کشورهای منطقه خلیج فارس شده و این تصور را بر وجود آورده بود که گویا جمهوری اسلامی ایران قصد تجاوز به استقلال و تمامیت ارضی آنان را دارد. وزیر امور خارجه نیز در مصاحبه خود اشاره بهمین مسئله نمود که، "به‌عمد یا به سهو توسط عناصر غیر مسئول که سعی میکردند بیکباره در چارچوب فکری کوتاه و ضعیف خود در تمام مسائل دخالت کنند و همسرا برنجانند..."

کشورهای اسلامی منطقه طیف وسیعی از کشورهای جهان سوم هستند که برخی بدرجات مختلف استقلال دارند و برخی دیگر به نسبت های مختلف فکرایش و وابستگی به این یا آن ابرقدرت دارند. مردم این کشورها خواهان استقلال کامل خود هستند و در حکومتها نیز به علت شرایط کنونی بین‌المللی، گرایش استقلال خواهی و ضد سلطه جوئی دو ابرقدرت در حال رشد است. وظیفه دولت جمهوری اسلامی است که با توجه به این گرایش از تفرقه و اختلاف با این کشورها به برهیزد و همکاری و وحدت میان خود و آنها را در زمینه‌های مختلف گسترش دهد. زیرا هرچه شکاف و اختلاف بین کشورهای جهان سوم و زیر سلطه بیشتر باشد، بیشتر

و وابستگی آنها تمام میشود و دودش به چشم خلقهای محروم می‌رود. همکاری و وحدت با کشورهای جهان سوم بمعنی تأیید وابستگی‌های برخی از آنها و یا تأیید فشار و ستم بر خلقهای این کشورها نیست بلکه این همکاری در چارچوب معین امکان میدهد که مواضع ضد سلطه جویی دو ابرقدرت تحکیم شود و زمینه تفرقه اندازی، بلوک بندی و بهره‌برداری دو ابرقدرت محدودتر گردد. در همین حال جمهوری اسلامی ایران حقی دارد دستاوردهای انقلاب خود را تبلیغ نماید و بدین ترتیب تأثیرات مثبت این انقلاب را در منطقه گسترش دهد.

همچنین خلقها، نیروهای سیاسی اصیل و دولت جمهوری اسلامی بموقع باید وظیفه همبستگی بین‌المللی خود را نسبت به جنبش‌های آزادیبخش اصیل بصورت حمایت سیاسی و مادی انجام دهد. در شرایط کنونی دولت مسأ باید برچهار وحدت کشورهای منطقه علیه دخالت‌ها و سلطه جوئی‌های دو ابرقدرت باشد و دولت‌های مستقل و نیمه مستقل و همه آنها را که تمایل دارند را زیر این پرچم وحدت دهد. این امر خدمت به خلقهای این منطقه و رشد و گسترش مبارزات استقلال طلبانه آنها علیه دو ابر قدرت میباشد.

# تلگرام تسلیت حزب رنجبران ایران به شورای

کشورهای تحت ستم نمود. جنبش عظیم غیر متعهد ها با ابتکار و تلاش‌های او بنیان‌گذاری شد. او در آخرین اجلاس به جنبش غیر متعهد ها بر لزوم عدم وابستگی و تعهد کشورهای متشکل در این جنبش به دو ابر قدرت آمریکا و روسیه قاطعانه تأکید کرد. پرزیدنت تیتو در این اجلاس به کسانیکه وابستگی به ابر قدرت روسیه را تحت عناوین گوناگون توجیه کرده و بعنوان "عدم تعهد" معرفی میکردند افشاء نمود و در مقابل آنها سرسختانه مقاومت کرد.

رهبر عالیقدر شما پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بدفاع از آن برخاست و از سمت استقلال طلبانه نه شرقی و نه غربی انقلاب ما پشتیبانی کرد. او به هنگام تجاوز فاشیست‌ها به خاک یوگسلاوی با انگاء به نیروی ملت قهرمان یوگسلاوی آنها را از خاک یوگسلاوی بیرون کرد. پرزیدنت تیتو سهیل اتحاد استقلال طلبانه خلق‌های یوگسلاوی بود و توانست در طول حیات خود وحدت ملی را حفظ و تحکیم کند. تلاش‌های خستگی ناپذیر و پشتیبانی او از خلق‌ها، ملل و کشورهای تحت ستم در مبارزه علیه امپریالیسم بویژه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی و حفظ صلح مورد احترام عمیق بشریت مترقی جهان است.

ما مطمئن هستیم که ملت قهرمان یوگسلاوی غم فقدان این رهبر بزرگ را به نیروی عظیم برای حفظ و ادامه راه عدم تعهد و استقلال و صلح در یوگسلاوی و جهان تبدیل خواهد کرد.

حزب رنجبران ایران خود را در احساس غم فقدان پرزیدنت تیتو سهیم دانسته و این ضایعه بزرگ را از صمیم قلب به شما تسلیت می‌گوید.

دبیر خانه حزب رنجبران ایران



# کارگران

## جشن اول ماه مه در مهدیه تهران

هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران روز اول ماه مه را در مهدیه تهران جشن گرفت. در این جشن که عده زیادی از کارگران کارخانجات و صنایع مختلف تهران و نمایندگان کارگری شرکت داشتند، در پایان آن قطعنامه‌ای صادر شد. در بخش‌هایی از این قطعنامه آمده است:

● ما کارگران بر اساس شعار سیاسی "نه شرقی، نه غربی، بسا قاطعیت از قطع وابستگی و روابط سیاسی با آمریکا پشتیبانی نموده و با تکیه به نیروی خود آماده‌ایم محاصره اقتصادی امپریالیسم را در هم شکنیم.

● ما کارگران ایران از تهدیدهای نظامی امپریالیسم آمریکا هیچ هراسی نداشته و در پیشاپیش ارتش ۲۰ میلیونی تا پای جان از استقلال و تمامیت ارضی ایران عزیز دفاع می‌کنیم.

● ما با هوشیاری تمام مراقب بهره‌برداری ابرقدرت شرق از محاصره اقتصادی ایران توسط امپریالیسم آمریکا هستیم و معتقدیم هرگونه نزدیکی و میدان دادن به این ابر قدرت انحراف از شعار اساسی "نه شرقی، نه غربی" است. محاصره اقتصادی را عمدتاً با تکیه به نیروی خود و رشد تولید ملی باید در هم شکست و احتیاجات ضروری را باید از کشورهای مستقل از ابرقدرت‌ها تأمین نمود.

● ما توطئه دولت بعثی عراق را در ایجاد آشوب و ناامنی در شهرهای مرزی و اخراج ایرانیان مقیم عراق و ادعای مالکیت بر سه جزیره ایرانی را محکوم می‌کنیم.

● ما همبستگی و پشتیبانی کامل خود را از مبارزه کارگران سراسر جهان علیه امپریالیستها و سرمایه داران استثمارگر اعلام کرده و از آنها دعوت می‌کنیم با اعتراض و مبارزه علیه تحریم اقتصادی بر ضد جمهوری اسلامی ایران از مبارزه ضد امپریالیستی و عادلانه مردم میهن ما پشتیبانی کنند.

● رشد تولید ملی تا سطح خود

# مبارزات کارگری در لهستان

پلیس لهستان در سالروز ۱۸ دسامبر ۱۹۷۰ (۴۸ روزه) عده‌ای دیگر از کارگران را دستگیر کرد. توضیح آنکه در ۳۰ ژانویه ۱۹۷۰ (۹ بهمن ۵۸) بندر گدانسک "انالندوویچ" را که مدت‌ها تحت تعقیب قرار داده بود دستگیر کرد و اجتماع کارگرانی را که در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۰ برای اعتراض به اخراج وی تشکیل شده بود به گلوله بست که بدنیاال این جریان رهبر "حزب کمونیست لهستان" تغییر کرد.

هرساله کارگران برای بزرگداشت خاطره آن روز مراسمی در محل تیر اندازی برگزار می‌کنند و پلیس نیز از قبل به دستگیری فعالین جنبش کارگری می‌پردازد. امسال در اجتماع کارگران ۴۰۰ نفر دستگیر کرد. "لجوالسکا" از رهبران کارگران در اجتماع امسال گفت: "اکنون زمان آن رسیده که ما در اتحادیه‌های کارگری آزاد متشکل شویم و از تمام جنبش‌های شهروندان علیه مقامات دولتی حمایت کنیم." لازم به تذکر است که کارگران این بارانداز مانند معدنچیان "سیلیسیا" در یک اتحادیه کارگری مخفی متشکل می‌باشند.

## شورش کارگران معدن در کره جنوبی

هفته گذشته در نزدیکی شهر سابوک در کره جنوبی، بدنیاال شورش ۲۵۰۰ معدنچی با خانواده‌هایشان، یک پلیس کشته شد. معدن چیان که خواستار مزد بیشتر بودند یک شهر را بتصرف خود گرفتند و باجوب پلیس را از محوطه بیرون کردند، و تمام راه‌های معدن را بستند.

## یک میلیون کارگر سوئدی

اعتصاب کردند بدنیاال عدم توافق کارفرمایان سوئدی با کارگران این کشور بر سر اصل ۲۶ قانون اساسی دخالت



## در روستاهای اطراف فارس

# گرانی مواد غذایی بیداد میکند

زحمتکشان ما مجبورند با دستمزد کم و خانواده‌های بی‌جمعیت با وضع بی‌ثبات خود در کنار هزاران مشکلات دیگر مانند نداشتن زمین، نداشتن سرمایه کشت، عدم برخورداری از امکانات رفاهی و مسائلی از این قبیل، در عین حال با گرانی نیز دست و پنجه نرم کنند.

زحمتکشان ایران بیش از سایر اقشار و طبقات تحت فشار این گرانی هستند. روستاهای ما با این همه نیروی کار و زمین می‌توانند پاسخگوی نیازهای کشور باشند. طی سالهای قبل از ۴۲ صادرات ایران شامل برخی کالاها و کشاورزی و دامداری نیز میشد از قبیل خشکبار، میوه و یا مثلاً در زمان دکتر مصدق حتی روده نیز صادر می‌شد. بنابراین ظرفیت بالفعل روستاهای ما در تولید مایحتاج کشاورزی قابل انکار نیست. هم اکنون نیز با تقسیم زمین

تخصیص اعتبار لازم به بخش کشاورزی، تسهیل در دادن وام و سایر احتیاجات مانند بذر و کود... باید با عواقب سیاستهای اصلاحات ارضی شاه مخلوع که کشاورزی ما را به نابودی کشاند به مبارزه پرداخت. این سیاستها که به رکود کشاورزی و کمبود تولید انجامید، نیاز ما را به کشورهای خارجی بیشتر و بیشتر کرد تا آنجا که در روستاهای کشور گه می‌بایست خود تولید کننده مواد غذایی باشند مبدل به وارد کننده شد. گرانی قیمت‌ها هم، نتیجه منطقی و طبیعی این جریان بود. در تحقیق مختصری که از روستاهای اطراف فارس بنامهای: رضآباد، خوامسدوران، سروستان، بلوک رامجردستل سرخ - ده گشنگان کرمان - قلیدآباد" بعمل آوردیم روشن شد که احتیاجات اولیه زحمتکشان از قبیل مواد غذایی به قیمت سرسام آوری بفروش میرسد که

## روستائیان آنچه کهریز اراک:

# هنوز قاتلین روستائیان و همدستان رژیم گذشته، آزادند

توانستند ده خود را دوباره پس بگیرند ولی هنوز نتوانسته‌اند بقیه خسارات خود را از قبیل گاو، گوسفند، اساس خانه و... جبران کنند. روستائیان می‌پرسند حالا که یکسال ونیم از انقلاب گذشته، با وجودیکه چندین بار به اراک و تهران مراجعه کرده‌اند، چرا این پروپسر را که علاوه بر دست‌اندازی بر مال مردم ۱۰ نفر را نیز بقتل رسانده‌اند، محاکمه نمی‌کنند؟ این مالک آدمکش هم‌اکنون با سلسله

حداوند متعال مسئله دارم آن تیمسار شجاع بزودی دست‌خائنین به وطن را کوتاه و در بازگشت امنیت و رفاه مردم توفیق حاصل نموده در پیشگاه مبارک شاهنشاه آریامهر سرافراز و مفتخر وهمه وطن پرستان را مسرور فرمایند. هم‌اکنون این دوشخص آزاد میگردند و توانسته‌اند عوامل خود را جمع و جور کرده و به روستای کهریز فرستاده و برای روستائیان ایجاد دردسر نمایند.

مالک بزرگ روستای "آچه کهریز اراک" عیسی بهادری در سال ۴۲ (سال اصلاحات ارضی شاه مخلوع) روستائیان را از ده بیرون کرد. در این جریان ۱۰ نفر کشته و ۱۲ نفر از روستائیان دستگیر شدند. این مالک قدر روستا را درهم کوبیده و از خاک‌خانه روستائیان هفت تپه میسازد که هنوز آثار آن باقی است، از سال ۴۲ تا ۵۷، روستائیان بطور دائم دنبال کار خود بودند که با کارشکنی‌های مدیر

در زیر فهرستی از قیمت این اجناس را میآوریم:

برنج هر کیلو ۸ تا ۱۰ تومان  
روغن در دوقیمت یعنی ۱۵ و ۲۴ تومان در دونوع بفروش میرسد.  
گندم یک من ۸/۵ تومان  
تخم مرغ هر کیلو ۲۰ تا ۲۵ تومان  
مرغ زنده هر کیلو ۲۴ تا ۲۶ تومان  
گوشت گوسفند هر کیلو ۴۰ تا ۶۰ تومان

در حال حاضر گذشته از لزوم برنامه ریزی دراز مدت برای حل این مسائل می‌بایست خود روستائیان در فکر بهبود وضع باشند.

تشکیل شرکت‌های تعاونی با خودیاری اهالی و اداره آنها توسط شوراهای ده در حال حاضر بهترین راه تقسیم امکانات بین روستائیان است. شرکت‌های تعاونی باید بسه تقسیم عادلانه و یکسان مایحتاج بین روستائیان بپردازد تا دست واسطه‌ها را کوتاه و از پنجه انداختن دیوان سالاری به جان و مال روستائیان جلوگیری کنند.

اغلب دیده شده که تعاونی‌ها بجای بخش‌احتیاجات روستائیان به احتکار و فروش آن در بازار سیاه پرداخته‌اند. این گونه بی‌تفاوتی‌ها باید برچیده شوند زیرا که هنوز بر اساس زد و بندهای طاغوتی عمل می‌کنند و باید جای آن را تعاونی‌هایی که بدست مردم تاسیس و اداره می‌شود، بگیرند.



کفایی، گلید پیروزی مادر مبارزه علیه تحریم اقتصادی است. نیروی عظیم بیکاران سرمایه ملی مادر این جبهه

«اکستودر ماشین» شیراز

## اداره کار: مطابق ماده ۳۳، نمیتوانیم کاری برایتان انجام دهیم!!

در آستانه اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، چند تن از کارگران کارخانه «اکستودر ماشین» شیراز را به جرم درخواست انتخاب نماینده، اخراج کردند!

یکی از کارگران اخراجی در گفتگو با خبرنگار رنجبر در شیراز گفت:

ما با این خاطر اخراج شدم که گفتیم باید نماینده کارگران را انتخاب کنیم و همچنین برای دفاع از حقوق کلیه کارگران و گرفتن حق مسکن، بیمه غذا و سایر مزایایی که در کارخانجات دیگر میدهند، فعال بودم، وقتی که کارفرما از خواست ما کارگران مطلع شد من و چند کارگر دیگر را با سوادان انقلاب مستقر در اداره کار مراجعه کردیم و آنها قول دادند که ما را به سرکار بازگردانند.

در حالیکه کارگران سراسر ایران بخصوص در راهپیماییهای اول ماه مه، متوقف کردن اخراج کارگران را به عنوان یکی از مهمترین خواستههای خود اعلام کرده اند، گمان ۳۳ ماده قانون کار طاغوت همدون حربهای در

افزایش دستمزدها، یک میلیون کارگر یعنی یک چهارم نیروی کار سوئد دست از کار کشیدند.

در نتیجه این اعتصاب عظیم، فعالیت های روزانه سوئد متوقف شده و کلیه صنایع سنگین، وسایل حمل و نقل بین المللی و فعالیت های صادرات و واردات این کشور بحال تعطیل در آمده است. سرمایه داران سوئدی به بهانه اینکه افزایش دستمزدها منجر به افزایش قیمت کالا و به خطر افتادن موقعیت اقتصادی سوئد در بازارهای جهانی میشود، از زیاد کردن دستمزد کارگران امتناع میکنند.

دست سرمایه داران بر علیه کارگران باقی است. در این بین مسئولین وزارت کار نیز بنظر میرسد که راه خود را بر گزیده و در طرف سرمایه داران قرار گرفته اند و کارگران نیز در همین مدت کوتاه آنرا دریافته اند.

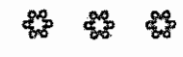
کارگران متشکل در سیدیکا و اتحادیه ها باید متحد و یکپارچه در برابر اخراج کارگران مبارزه و ایستادگی نمایند و با هشیاری تمام از اخلال کارفرما جلوگیری نمایند.

کل کشا ورزی دوران طاغوت (محمود بهادری) و بهمدستی زاندار مری محل که از طریق او ایسی تقویت میشد، به نتیجه ای نرسیدند. بعد از انقلاب که «اکبر بهادری» وکیل مجلس این منطقه و حافظ منافع طاغوتیان (که از فامیل همان عیسی و محمود بهادری بوده است) اعدام شد، روستائیان

مداحان رژیم شاه ملعون بوده اند بطوریکه عیسی بهادری طی نامه ای (که موجود است) به او ایسی جلاد برای گشتار وحشیانه خلق ما در روز ۱۷ شهریور تبریک گرفته و مینویسد: «ستاد فرماندهی نیروی زمینی تیمسار معظم ارتشید و ایسی بنده بنام یکنفر شاه پرست و خدمتگزار از درگاه

روستا ثیان زحمتکش ما می پرسند چگونه چنین جانانی پس از انقلاب که ثمره خون هفتاد هزار شهید و بیش از صد هزار مجروح است جرئت بازگشت و از سرگرفتگی جنایات را دارند و چرا مسئولین قاطعانه ب فکر ریشه کنی این مفسدین نیستند تا زحمتکش ما به کشا ورزی و فعالیت بپردازند؟

### از ما پول گرفتند ولی چاه نکندند



در تاریخ ۲۸ فروردین یک روستایی به دفتر رنجبر شیراز تلفن کرد و گفت که: «میخواهم درد دل کنم. وی از اهالی «گلانی» واقع در ۲۴ کیلومتری گازرون بود که حدود ۷۰۰۰ نفر جمعیت (۱۰۰۰ خانوار) ساکن دارد. او می گفت: «در زمان طاغوت به ما وعده زیاد دادند ولی خوب، ما انتظار نداشتم، حالا که مدت یکسال از

انقلاب ایران می گذرد باز هم در ده ما خبری نیست. مردم سر یک مشک آب به هم فحش می دهند. از طرف سازمان عمران منطقه ای و شوراهای محلی ۲۰۰ هزار تومان برای چاه و نقری ۱۱۰ تومان برای مدرسه گرفتند که از چاه (پس از ۹ ماه) خبری نیست و از مدرسه هم فقط شالوده اش را ریختند و رفتند. می گویند بولهایمان را به بانک ریخته اند.»

امثال این روستایی که اکنون بجای کشاورزی در خارج از ده خود به فطکی و سایر کارهای از این قبیل مشغولند بسیار است. پس از گذشت یکسال و نیم از پیروزی انقلاب، از زمین و سایر امکانات رفاهی برای روستاها خبری نیست، مهاجرت مانند گذشته زیاد است و کشاورزی همچنان نابسامان.

# چرا کارگران در جشن اول مه وسیعاً شرکت نکردند؟

روز اول ماه مه روز کارگران جهان است، روز اعلان همبستگی اردوی کار و زحمت در مقابل استثمار و غارتگری است. روزی است که کارگران صفوف خود را بمیدان می آوردند تا بهمه جهان بگویند که آنها بساط امپریالیسم و ابرقدرتها و سرمایه داری واعوان و انصار آنها را بر خواهند کند. روزی است که آنها برای طرح خواسته های عمومی خویش بحرکت در می آیند و در هر کشور بر طبق شرایط مشخص اراده خلل ناپذیر خویش را برای پیشگامی و پیشاهنگی در مبارزه مشترک خلق و ملت خویش اعلام می نمایند.

این برای طبقه کارگر ایران که میخواست در یازدهم اردیبهشت برای دومین بار بدور از خفقان محمد رضا شاهی روز خود را جشن بگیرد نیز صادق است. اما چه شد که صفوف جشن اول ماه مه امسال در مقایسه با سال گذشته نه تنها صدها هزار تن زحمتکش بیشتر را در خود جای نداد، بلکه گاهی فاحش داشت؟ چه شد که آن جمعیت بیش از یک میلیون کارگر و کارگرزاده و زحمتکش سال پیش در تهران جمع نشدند و کل صفوف راه پیمایی اول ماه مه در عمده ترین مرکز تجمع کارگری یعنی تهران از ۲۵۰۰۰۰ تجاوز ننمود؟ موقعی که به واقعیات نگاه می کنیم می بینیم که در بیشتر جاها عده ای راهپیمایی هایی درباره یکسری مسائل سیاسی در عین حال مهم و یا گروهی برپا کرده و از کارگران نیز دعوت بشرکت در آن را نموده بودند. راهپیمایی بود که هر روز دیگر نیز میتوان گذاشت و گذاشته نیز می شود. در حالیکه روز اول ماه مه برای کارگران ایرانی همانند دیگر کارگران جهان روزی است که خواسته های عمومی ویژه خویش بمتابیه کارگر و زحمتکش و اراده استوار خرد در پیشاهنگی مبارزه مشترک ملت خویش را اعلام می نمایند. درست از همین جنبه در بیشتر مراکز سازمان دهنده راهپیمایی اول ماه مه کارگران مهمان دعوت شده بودند تا صاحب مجلس. آنجا که دارو دسته کیانوری و «چپ نماها» عده ای را سر هم نموده بودند شعار طبقه کارگر ایران در مبارزه مقدم و مشترک تمام خلق یعنی مبارزه ضد امپریالیستی یعنی شعار «نما آمریکا

نه شوروی «محلی از اعراب نداشت. و نه تنها این چنین بود بلکه با آن سر خصومت نیز داشتند. در عوض آنچه هدف قرار داشت، تلاش در کشاندن کارگران وزحمتکشان بزیر شعارهای باصلاح ضد امپریالیستی مسکو از یکسو و تحریک کارگران بر سر مسائل رفاهی و اقتصادی آنان در مقابل دولست جمهوری اسلامی ایران بود. در مقابل در سوی دیگر که نیروهای اسلامی کارگران را به برنامه خود دعوت نموده بودند چند که شعار نه شرقی نه غربی علیرغم برخی تلاشیهای عبت جهت دار، جریان عمومی بود، اما از خواسته های اقتصادی و رفاهی کارگران بجز مواردی استثنائی خبری نبود و گویا مراسم صرفاً یک راهپیمائی علیه امپریالیسم آمریکا است.

توده کارگران و زحمتکشان با عدم شرکت در مراسم جشن دسته به اصطلاح «چپ ها» از دارو دسته کیانوری تا بقیه خط های تابعه نشان دادند برنامه های عریض و طویل رفاهی آنان نمیتواند داروی مخدری باشد تا زحمتکش ایرانی را از برافراشته نگهداشتن پرچم استقلال از ابرقدرتهای شرق و غرب و مقابله با آنها باز دارد.

در مقابل گاهش عظیم کارگران و زحمتکشان شرکت کننده در مراسمی که مراکز اسلامی سازمان دهنده اصلی اش بودند نشان داد که خواسته های به حق رفاهی و اقتصادی کارگران چیزی نیست که با اسم ضرورت انقلاب اسلامی و مبارزه ضد امپریالیستی بتوان بر آن سربوش نهاد. آنهم در اوضاعی که کارگران ایرانی با دهها و صدها مسئله از بیکاری تا فقر، نداشتن مسکن، بهداشت و گرانی روبرو بوده و از حکومت ملی کشور بحسب خواستار اقدامات هر چه سریعتر در جواب حداقل اولیهای باین خواست هاست. اینکه توده های کارگران با دارو دسته کیانوری و «چپ نماها» مرزبندی نموده و حساب خود را از طیف انقیاد طلبان مستقیم و غیر مستقیم جدا می نماید امر جدیدی نیست. در اول ماه مه سال گذشته نیز شاهد آن بودیم. همه جریانات مبارزاتی بزرگ توده های در یکسال گذشته نشان داده اند که

کارگران کشور ما از هوشیاری زیادی نسبت به شعار نه شرقی نه غربی برخوردارند و بر آن پافشاری می نمایند. اما این پافشاری آنها را نباید هرگز بمعنی صرف نظر کردنشان از خواسته های اقتصادی و اجتماعی خود بحساب آورد.

امروز تمام مقامات رسمی کشور بر این امر اذعان دارند که وضع اقتصادی کشور خراب است، امروز همه می دانند که تلاش ابرقدرت آمریکا برای محاصره اقتصادی ایران فشارهایی را بر کشور ما وارد می سازد، اما گویا عده ای نمی خواهند بفهمند که بار اصلی این خرابی و فشار برگرفته از کارگران و زحمتکشان وارد می گردد. آنوقت با چنین واقعیتی چگونه میتوان از کارگران خواست تا از خواسته های بحق رفاهی خویش دست بکشند و بخاطر بر راه انداختن اقتصاد کشور نه تنها از این خواسته ها بگذرند بلکه علیرغم همه اینها تولید را نیز بالا ببرند. مقامات کشور آنجا که حقیقت شکل توده های کارگر طرح می گردد، شوراهایی که بگفته آنها در مصاحبه تلویزیونی باید بازوی مدیریت باشد را پیش می کشند و دهها مسئله شبیه این. آنوقت آنچه را که مسئولین طرح می کنند این است که کارگران هیچ نخواهند و مبارزه های برای کسب هیچ خواسته ای نداشته باشند و تنها بخاطر در هم شکستن توطئه امپریالیستها کار کنند، کار کنند و باز هم کار کنند. در این جو است که شور و شوق کارگران برای شرکت در اول ماه مه چندان نیست و ما شاهد یک فروکش بزرگ در راهپیمایی اول ماه مه می گردیم. ولی این بروز بی تفاوتی نه نسبت به امر مبارزه برای استقلال کشور است و نه نسبت به حقوق دمکراتیک و خواسته های رفاهی خویش. این بی تفاوتی در واقع عکس العمل نسبت به کسانی است که بنام طبقه کارگر ایرانی می خواهند اعلام کنند ما هیچ خواستی نداریم و هر چه شما بگوئید اجرا می کنیم. اما کارگران ایرانی در میابند که امر خود را باید بدست خود گیرند، آنها در می یابند که شوراهایی که بازوی مدیریت است مسئله آنها را حل نمی کند و هر چه زود تر باید تشکلهای توده ای واقعی خود را بوجود آورند. تشکلهایی که مدافع و نماینده واقعی خواسته های رفاهی آنهاست و در این راه کارگران پیشرو و بویزه رفقای کارگر عضو حزب وظیفه ای مهم را بر عهده دارند.

# مواضع اجمالی حزب رنجبران ایران در باره دفاع و امنیت ملی (۳)

در این شماره آخرین قسمت از سند ارائه شده به سمینار مقدماتی دانشگاه دفاع ملی را مطالعه میکنید.

## ۶- برخورد به نظرات انحرافی

امروز در زمینه نظامی کشور نظرات انحرافی متعددی وجود دارند که قطعا تأثیرات خود را نیز بجای میگذارند. بچند نمونه از آنها بطور اختصار اشاره میکنیم:

الف - این نظریه که نیروی مسلح ما نباید صرفا خصلت تدافعی داشته بلکه باید تعرضی باشد. در قیل راجع به نتایج عملی این نظریه که چیزی جز کشیده شدن بسوی یکی از دو ابر قدرت است، توضیح داده شد. این نظریه که انعکاس انقلابگری کاذب در زمینه نظامی است، در بهترین حالت تحت تأثیر یک شور و شوق و احساسات خالی از واقعیت و منطق بوجود آمده و میتواند ضررهای زیادی به کل کار انقلاب ما بزند. البته این نظریه در تاریخ بیسابقه نیست و این گونه نظرات در پس از انقلاب بعضی کشورهای دیگر نیز بوجود آمده بودند که گاه نتایج اسف باری نیز داشته اند.

ب - این نظریه که ما نباید یک ارتش قوی بوجود آوریم بلکه در کشور باید نیروی نظامی دیگری نظیر سپاه پاسداران وجود داشته باشد. این نظریه، ارتش کنونی ایران را قابل اعتماد نمیداند و میخواهد نیروی نظامی دیگری که نوبه اعتمادش با باشد، بوجود آورد. اما هدف این نظریه، اولاً بیشتر مسئله کسب قدرت در داخل را پانوسل بمنبروی شخصی در مد نظر خود دارد تا دفاع از استقلال کشور و نیازهای تخطی ناپذیر آن و ثانياً "بطور یکجانبه نقش ارتش را در امر دفاع از استقلال کشور به صف

منظم را منحل کنیم و به ارتش بیست میلیونی خلق توجه نکنیم، این نظریه در اساس همان نظریه سابق "جب" ناهای و مسلمان ناهاست که در واقع هیچ چیز مگر محروم نمودن جمهوری اسلامی ایران از مهمترین رکن قدرت سیاسی خود نیست و در وضعیت کنونی مسأله میسازد. ضامیر پالیستی نیز کاملاً بضرر دفاع از استقلال کشور است. زیرا اولاً ارتش بیست میلیونی یک نیروی عظیم تودهای در سراسر کشور است که دارای یک نظام سازمانی

منظم را منحل کنیم و به ارتش بیست میلیونی خلق توجه نکنیم، این نظریه در اساس همان نظریه سابق "جب" ناهای و مسلمان ناهاست که در واقع هیچ چیز مگر محروم نمودن جمهوری اسلامی ایران از مهمترین رکن قدرت سیاسی خود نیست و در وضعیت کنونی مسأله میسازد. ضامیر پالیستی نیز کاملاً بضرر دفاع از استقلال کشور است. زیرا اولاً ارتش بیست میلیونی یک نیروی عظیم تودهای در سراسر کشور است که دارای یک نظام سازمانی

## نظریه های انحرافی مختلف درباره ارتش کم و بیش از یک خصوصیت برخوردارند: از میان برداشتن و یا انحلال تدریجی و یا سریع ارتش

داوطلبانه است. ارزش عمده اش استراتژیک است و در تانای در وضع کشور با وجود هرج و مرج، سازمان دادن چنین ارتشی سالها وقت و تجربه لازم دارد و انحلال ارتش بعضی ایجاد خلا" در مقابل با توطئه های دو ابر قدرت و عملشان است.

ت - نظریه ای که میگوید سیستم فرماندهی سازمان ارتش جای خود را به نظام شورایی در ارتش بدهد و شورا های سطوح پایین را مرکز تصمیم گیری میداند. این نیز در واقع ایجاد یک زمینه سازمانی برای نفوذ در ارتش و غیر موثر ساختن آن است. هدف این نظریه ایجاد فراکسیون خود در ارتش است. پس، زیرا ارتشی که آنها میخواهند پس از مدتی بیک مجموعه ناهمگون از جناحهای مختلف تبدیل میشود و حتی در بهترین حالت نیز قادر به تصمیم گیری و اجرای دستورات نمیکرد و هر شورایی خود به مرکزی برای تصمیم گیری مبدل میشود.

ناگفتن اینکه سلاح سنگین وابستگی بوجود میآورد، قدرت جنگی و آتش ارتش را تضعیف کند. متقابلاً نظرات اندکی نیز هست که به نقش تکنیک برپایا میدهد. هر دو این نظرات نادرست هستند. عامل انسان در جنگ تعیین کننده است ولی دانش تکنیک برتر به انسان متعالی قدرت عمل بیشتری میدهد.

ح - نظریه ای که میگوید ارتش فقط باید به دفاع از مرزها بپردازد و نقش عوامل دشمن را در درون کشور در نظر نمیگیرد در حالیکه ارتش

ملی و مردمی باید باشد یعنی هم از مرزها و هم از صنایع مردم دفاع کند و ضد انقلاب را چه داخلی و چه خارجی باید از صحنه خارج نماید. ارتش ملی و مردمی روی مردم تسلط نمیکند.

البته میتوان نظریه های انحرافی دیگری را نیز برشمرد ولی همگی آنها کم و بیش از یک خصوصیت برخوردارند و آنهم از میان برداشتن و یا انحلال تدریجی و یا سریع ارتش. این نظرات را باید شناخت و ظاهر آن ها را کنار زد و محتوی شان را روشن نمود تا در میان مردم و در میان نیرو های مسلح نسبت به آنها روشنائی بوجود آید. امروز همانطور که حزب رنجبران ایران بارها نشان داده است، هرج و مرج در کشور ما وجود دارد و ابرقدرتها و عملشان و کلیه کسانی که با هدف انحصار کردن قدرت و یا جنگ آوردن آن، به استقلال کشور و بویژه در این اوضاع بسا، بحران خط ناک است.

## در افغانستان اشغال شده (۲)

در تاریخ از آن من ۴۳ خبرنگار فرانسوی

در این شماره دومین قسمت مشاهدات آلن منگام خبرنگار فرانسوی خبرگزاری گاما که در پایان سال گذشته مسیحی به افغانستان سفر کرده بود درج میشود. منگام نخستین خبرنگار خارجی است که نهار طریق پاکستان بلکه از طریق کابل، به مناطق شورشی نیزبای گذاشته است. در شماره گذشته او به تشریح حضور نظامی و سیاسی روسها در کابل پرداخت و در این شماره مقاومت بازاری را در برابر اشغالگران توصیف میکند. (نقل از "روزنامه خلق" ارگان کمونیستهای مارکسیست لنینیست فرانسه).

### شیاعت ضد روسی

در این مورد عکس العمل مردم چگونه بوده است، باید بگویم که تا حدی صحت و سقم شیاعتی که در کابل رایج است کارمشکلی است. این را میتوان در ضربت الحظ هایی که روایت میشود، در بازی کودکان که باتیرکمان میکوشند سروسها را نشاند گرفته و آنها را بکشند و در زیر چادر زنان که همیشه گوگنل مولوتوفی به همراه دارند و به زیر زره پوشهای روسی میاندازند یافت، و این امر یک لحظه قطع نمیشود. افتابها با شرح این حوادث تفریح میکنند و روحیه خصمانه فرد را علیه شوروی حفظ میکنند. این داستانهای راست و دروغ که بین مردم رایج شده و آنان را سرگرم میکنند نشانه احساسات موجود در میان مردم است ولی بایستد مواظب درستی یا نادرستی آنها بود زیرا که برای ما مشکل بود که صحت و سقم آنها را تشخیص دهیم.

### روسیه خوب نیست

در کابل کافست یک خارجی رایجی یک روس بگیرند تا ناآرامی حاکم در شهر را درک کنند. مادر حالیکه مانند جهانگردان معمولی دوربین به دوش در بازار بگردش مشغول بودیم متوجه میشدیم که مردم مگرا "میگفتند" روسی، روسی". آنان فکر میکردند ما روسی هستیم. مردم عملاً این فکر را میکنند که هر چیزی که خصلت غربی، دارد روسی است. بدین دلیل وقتی از جایی رد میشویم باید منتظر عکس العمل خصمانه مردم باشیم. وقتی میگفتیم "ندروس نیستیم" مردم تعجب زده از خود سؤال میکردند پس کجائی هستیم، وقتی تا کسی میگفتیم اولین سؤال این بود؟ "از کدام کشوری آمدید؟" وقتی میگفتیم که روسی نیستیم، اوضاع روبرو میشد و رواننده چنین جواب میداد: "روسیه خوب نیست، روسیه خوب نیست، روسها خوب نیستند!" همانطور که گفتیم عملادر شرایط کنونی با توجه به وضعیت متشنج کابل به خارجیان یا اعلامتی بسینه زده بودند و با بروی اتوموبیلهای خود رنگ پرچم کشور شان را کشیده بودند تا کشور شان مشخص شود. هنوز در کابل یک اکثریت کارکنان فرانسوی مثلا معلمین دبیرستان "استقلال" وجود دارند. گروه آلمانیها بدستور دولت خود به کشور خود باز گشتند. تعدادی ایتالیایی و یک گروه آمریکایی نیز وجود دارند ولی تعداد آمریکائیان پس از کشتن سفیر آمریکا در اواخر سال ۱۹۷۸ روز بروز کمتر شده است. فرانسویان اکثریت خارجیان را در آنجا تشکیل میدهند.





# تیتو در گذشت

## رهبر خلقهای یوگسلاوی

### شخصیت استقلال خواه جهانی

#### بنیان گذار جنبش غیر متعهدها

ژوزف بروز تیتو رهبر فقید جمهوری فدراسیون یوگسلاوی در ۲۵ ماه مه سال ۱۹۹۲ در یک روستای استان کرواسی دیده به جهان گشود. او از همان اوآن کودکی بغلت فقر مالی خانواده به کار گاوچرانی، شاگرد قفل سازی و مکانیکی پرداخت و در ضمن کار در کلاسهای شبانه به تحصیل مشغول شد. در زمان جنگ جهانی اول بعنوان سرباز تبعه اتریش به جبهه جنگ با روسیه تزاری فرستاده شد که گرفتار و زندانی گشت. بعد از پیروزی انقلاب کبیر اکتبر ۱۹۱۷ تیتو از زندان آزاد شد و به بریگاد سرخ بین الملل بیوست و در کنار سربازان ارتش سرخ برای رهایی خلقها و پیروزی سوسیالیسم مبارزه نمود.

تیتو در سال ۱۹۲۰ به یوگسلاوی بازگشت و در حزب کمونیست یوگسلاوی به فعالیت سیاسی پرداخت. در طی فعالیت در حزب کمونیست اتحادیه فلز کاران را بوجود آورد و بعد از غیر قانونی شدن حزب کمونیست فعالیت مخفی را آغاز نمود. او در نوامبر سال ۱۹۲۸ بخاطر فعالیت سیاسی دستگیر و به ۵/۵ سال زندان محکوم گشت. بعد از آزادی از زندان یکی از رهبران حزب شد و برای فعالیت در کمینترن به مسکو رفت.

تیتو سه سال بعد یعنی در سال ۱۹۲۷ به مقام دبیر کلی حزب کمونیست یوگسلاوی برگزیده شد و در ۱۹۳۸ به یوگسلاوی بازگشت و بهنگام شروع جنگ جهانی دوم با سازماندهی افراد رزمنده کمونیست و غیر کمونیست یک ارتش پارتیزانی ایجاد نمود. این ارتش تحت رهبری تیتو به نبرد با اشغالگران نازی پرداخت و بالاخره در سال ۱۹۴۴ ارتش هیتلر را شکست داده و از خاک میهنش بیرون راند. تیتو در پی جنگ ضد فاشیستی، نبرد برای واژگونی نظام سلطنتی را نیز بانجام رسانید و پس از پیروزی در رأس حزب کمونیست یوگسلاوی رهبری کشور را بدست گرفت.

تیتو یک سیاستمدار فعال بود و همواره سعی در جلب کشورهای جهان سوم به جنبش غیر متعهدها و تحکیم خط مستقل و مخالف شرق و غرب را داشت. حتی موقعیکه در پائیز سال گذشته در کنفرانس غیر متعهدها در هاوانا شرکت کرد، با تکیه روی خط مشی استقلال کشورها در مقابل خط طرفداری از روسیه که از طرف کاسترو نمایندگی میشد، ایستاد. بعد از کنفرانس هاوانا بغلت سخت نشدن مریضی اش نتوانست به فعالیت ادامه دهد و علیرغم کوشش همه پزشکان برای نجات جان وی، در سن ۸۷ سالگی در گذشت.



دیروز یوگسلاوی در مرگ رهبر خود با را می گریست و سراسر تبدیل بیک پارچه غم شد. جهان خود را در این ضایعه شریک میدانند. با مرگ مارشال ژوزف بروز تیتو، جهان آخرین با زمانده نسل رهبران مبارزات ضد فاشیستی جنگ جهانی دوم را از دست داد. با مرگ مارشال تیتو تشویش نیز بدلهاراه یافت. آینده یوگسلاوی چه میشود؟ آیا جنگ افروزان تهاجمی را بسمه یوگسلاوی، کشوری که تیتو سه هیجگاه بر سر استقلالش حاضر به سازش و مذاکره نشد، آغاز خواهند نمود؟

پیروزی خلقهای یوگسلاوی برهبری تیتو در جنگ میهنی ضد فاشیستی سالهای جنگ جهانی دوم، چرچیل را بر آن داشت که بپرسد: "تیتو کیست؟ یک زن؟ یک مرد؟ و یا فقط یک افسانه؟". و برآستی تیتو چه شخصیتی بود؟

مارشال تیتو رهبر جنگ مقاومت ملی یوگسلاوی بر علیه تجا وزگران بیگانه بود. تیتو در سال ۱۳۲۰ در مقابل با حمله نیروهای ارتش آلمان و ایتالیا به یوگسلاوی جنبش مقاومت پارتیزانی را پایه ریزی کرد. "جامعه کمونیستهای یوگسلاوی" برهبری تیتو تنها حزبی در یوگسلاوی بود که در مقابل تعرض فاشیستها اسلحه خود را بزمین نگذاشت و تسلیم نشد. در تحت رهبری حزب، مردم یوگسلاوی از تمام قشرها و گروهها اسلحه بدست گرفتند و در یک جنگ پارتیزانی سخت بر تجا وزگران فاشیست و ارتجاع "چتنیک" پیروز گشتند و کشور خود را از قبضه و بند تجا وزگران بیگانه ساخته. و در طول این مبارزات نام تیتو با جنگ مقاومت میهنی درهم آمیخته شد و وی سمبل آزادی ورهائی یوگسلاوی شد.

ژوزف تیتو رهبر خلقهای یوگسلاوی بود و برای آزادی و برابری آنان مبارزه سرخشانهای رایه پیش برد. تیتو بر این اعتقاد بود که

# رویدادهای اقتصادی

## اوپک نباید تنها

### به بالا بردن قیمت نفت اکتفا کند

تغییر دلار بعنوان واحد محاسبه بهای نفت یک وظیفه مهم و حیاتی برای اوپک است.

جهان امپریالیسم در بیخ و خم بحرانیها کلافه شده است. انحصارات جهانخوار امپریالیستی از یکسو دارند با بحرانیهای درونی و بیماریهای ذاتی شان مبارزه می کنند و از سوی دیگر قدرت های سلطه گر به ستیز بی امان بسا حرکت عظیم خلقهای سراسر جهان برای استقلال و آزادی مشغولند. جنبش خلقها وچ می گردد و بحرانیهای سرمایه داری جهانی عمق می یابد.

در شرایطی که هزینه زندگی در سراسر جهان با سرعت بالا می رود و نرخهای تورم در کشور های مختلف رشدی اعجاب انگیز دارد. انحصارات بزرگ بین المللی مرتباً به سودهایشان افزوده میشود. قدرتهای امپریالیستی بار بحران فزاینده سرمایه داری را بدوش ملت های ستمدیده جهان، سرمایه داری غیر انحصاری و کارگران و زحمتکشان کشورهای خود می اندازند. ابر قدرت امپریالیستی آمریکا در سال گذشته مسیحی با نرخ تورمی معادل ۱۳/۳ درصد روبرو بود. این نرخ در ۳۳ سال گذشته، یعنی پس از پایان جنگ دوم جهانی در آمریکا بی سابقه بوده است. در عرض ۴ سال نرخ تورم در آمریکا ۲ برابر شده است. بیگاری روز بروز دامنه اش گسترده تر می شود و بخش های بیشتری از کارگران و زحمتکشان آمریکا را به فقر و بی خانمانی سوق می دهد. در عین حال تنها یکی از انحصارات غول بیکر آمریکا، یعنی کمپانی نفتی اکسون، تنها در اولین سه ماهه ۱۹۸۰ در حدود ۲ میلیارد دلار سود خالص برداشت. سود این شرکت در این سه ماه، نسبت به سه ماهه مشابه سال قبل ۱۰۲ درصد افزایش یافته است. این افزایش برای کمپانی استاندارد اوپل ۱۷۰ درصد بوده است. درست در همین وضعیت که این غولهای سرمایه داری سودهای با دانه آورده به جیب می زنند، در خود آمریکا هزینه نفت و بنزین برای خانواده های آمریکایی در یکسال گذشته ۶۲ درصد افزایش یافته است. چه کسی میتواند ادعا کند که آن سودهای عجیب و غریب از غارت خلقها و ملل تحت ستم و از چپاول زحمتکشان و طبقات کم درآمد کشورهای امپریالیستی تامین نمی شود؟

وقتی که منابع خبری سرمایه داری جهانی اعلام می کنند که مثلاً هزینه زندگی در ترکیه ۸۲ درصد بالا رفته و این افزایش در ایتالیا، فرانسه و بریتانیا بترتیب ۲۵، ۱۹ و ۱۹ درصد بوده است، آیا این معنی اش این نیست که این بی چیزترین مردم این کشورها هستند که دارند زیر بار امرار معاش خود می شوند و آیا معنی اش این نیست که این انگل صفقان سرمایه دار در این کشورها هستند که درست به قیمت سیه روزی میلیون ها زحمتکش دارند روزبه روز قریه تر میشوند؟

تا همین یکی دو سال پیش بیشتر کشورهای اروپایی نرخ تورم شان یک رقمی بود اما امسال تنها یکی دو کشور مانند آلمان نرخ تورمی یک رقمی دارند. تازه مثلاً آلمان در سال ۷۹ تورمش ۲/۸ درصد بود و امسال به ۵ در صد میرسد یعنی دو برابر. ولی بریتانیا که پارسال ۹/۳ درصد نرخ تورم داشت امسال با نرخ ۱۸/۴ درصد روبروست، یعنی دو برابر. ایتالیا امسال شاهد ۱۲/۸ درصد خواهد بود، حالیکه سال گذشته ۱۰ درصد

بگی از نطق های خود ایمن نگرانی را اینطور بیان میکند. "اگرچه ما یک کشور کوچک هستیم ولی در عمل ملت ما نشان داده اند که یک ملت شجاعی هستند. ما اجازه نخواهیم داد که کشور ما را یک مسئله جزئی تلقی کنند و یا کسان دیگری درباره سرنوشت آینده کشور ما تصمیم بگیرند." موضع استوار تیتو در حفظ و حراست از استقلال یوگسلاوی و پشتیبانی از حق حاکمیت ملی کشورها وعدم دخالت ابر قدرتهای امپریالیستی در امور داخلی آنان وی را در سالهای اخیر به رویارویی با سوسیال امپریالیسم شوروی کشا شد. تیتو در مقابل فشار رزورگویی های امپریالیسم شوروی استوارانه ایستادگی نمود و هیچگاه به تجا وزگران روسی اجازه نداد که در خاک میهنش پایگا همی نظامی برقرار کنند. وی از مخالفین سرخست دکترین "حق حاکمیت محدود" بر طرف در کشورهای اروپای شرقی بود. در سال ۱۳۲۷ به تجا وز شوری به چکسلواکی و اخیراً به اشغال افغانستان توسط ارتش شوروی اعتراض شدید نمود. در نتیجه یوگسلاوی در این سالها همواره در معرض تلاشهای تخریبی سوسیال امپریالیسم شوروی برای ایجاد فراقسبونی در "جامعه کمونیستهای یوگسلاوی" قرار داشت.

مارشال تیتو از بنیان گزاران ورهبران جنبش کشورهای غیر متعهد نیز بود. وی به همراهی جمال عبدالناصر و چو اهر لعل نهرو در کنفرانس بان دنگ در سال ۱۳۲۴ شرکت کرد و اولین نشست کشورهای غیر متعهد را در سال ۱۳۴۰ در بلگراد برگزار نمود. در آخرین نشست ایمن جنبش درها و انبا، تیتو در مقابل تلاشهای کاسترو و سایر عمال شوروی بخاطر منحرف نمودن اهداف جنبش غیر متعهدها و تبدیل آن به ابزار سلطه گری امپریالیسم روسیه مقاومت و از اصالست آن

مارشال تیتو از بنیان گزاران ورهبران جنبش کشورهای غیر متعهد نیز بود. وی به همراهی جمال عبدالناصر و چو اهر لعل نهرو در کنفرانس بان دنگ در سال ۱۳۲۴ شرکت کرد و اولین نشست کشورهای غیر متعهد را در سال ۱۳۴۰ در بلگراد برگزار نمود. در آخرین نشست ایمن جنبش درها و انبا، تیتو در مقابل تلاشهای کاسترو و سایر عمال شوروی بخاطر منحرف نمودن اهداف جنبش غیر متعهدها و تبدیل آن به ابزار سلطه گری امپریالیسم روسیه مقاومت و از اصالست آن

جنگ مقاومت بر علیه اشغالگران و متحدین داغلیان، میبایستی در صفوف فشرده و نزدیک متحد شوند و با تفاق یکدیگر بر علیه دشمنان مشترک استقامت کنند. کشورشان مسلحانه بچنگند. در یک سخنرانی خود در سال ۱۳۲۱ برای تاکید کرد که "مبارزه آزادیبخش مسلحانه بر علیه اشغالگران خارجی بطور تفکیک ناپذیری با مسئله ملی رابطه است." تیتون تنها بر روی مسئله وحدت ملیت ها در شرایط خاص جنگ میهنی با فشاری مینمود، بلکه وحدت ملی را بعنوان یک اصل اساسی در آینده یوگسلاوی آزاد و

کفرانس باند ونگ ۱۳۲۴: از راست به چپ: نهور و مارشال تیتو و جمهوری و ۴ منطقه خودمختار متحد نمود و "جمهوری خلق یوگسلاوی" را مستقر نمود و یوگسلاوی را در ساختن مجدد کشور جنگ زده خود و اشتراکی نمودن کشاورزی و جغرافیای خود نمود. مارشال تیتو یک استقلال خواه بزرگی بود که از حاکمیت ملی کشورش در مقابل دبا هر نوع وابستگی دفاع قاطع مینمود. حتی قبل از آنکه جنگ جهانی دوم پایان پذیرد تیتو نگران آینده استقلال میهنش بود. در سال ۱۳۲۴ تیتو با سیج کلیه عوامل مثبت، کلیه ملیت ها و اقلیت های مذهبی را در یک دولت فدرال متشکل از ۶

صدها صوم. یعنی اتصال نرخ تورم ۲ برابر میسود. و سی این موردی امیرالیستی نرخ تورم ۱۰۰ برابر میسود. حساب مناطقی وسیع جهان سوم با صدها میلیون زحمتکش روشن است. همین کشورهای نفت خیز عضو اوپک که به اصطلاح ثروتمندترین کشورهای جهان سوم هستند، در فاصله ۵ ساله ۷۹-۱۹۷۴ واردات مواد غذاییشان از کشورهای امیرالیستی ۶۴ درصد افزایش یافته است. اگر توجه کنیم که این کشورها از نظر صنعتی عقب مانده هستند و بخش اعظم مردمان به کشاورزی مشغولند، بی شبه تاثیر مخرب و ویرانگر حاکمیت امیرالیسم بر این کشورها می بریم. امیرالیسم برای اینکه بحران اضافه تولید را جابه کند مجبور است نیبادهای تولید ملی را در کشورهای تحت سلطه ویران کند و بازار مصرف برای کالاها خود بوجود آورد. ... همین کشورهای عضو اوپک در سالهای ۷۵-۷۱ خرید اسلحه شان ۹ برابر شده است. یعنی از یک طرف پول نفت را می گرفتند و آنرا الزاماً به جیب امیرالیسم می ریختند. مسلماً جهان سوم این وضع را تحمل نخواهد کرد و امواج کوبنده جنبشهای استقلال طلبانه ناقوس مرگ امیرالیسم را خواهد نواخت.

**افزایش بهای نفت بنفع کیست؟**

بهای نفت نسبه به سال ۱۹۷۸ در حدود ۱۵ درصد افزایش یافته است. این بنفع کیست؟ از یکسو میبینیم که غولهای نفتی سودهاشان مرتب چند برابر میشود و از سوی دیگر انحصارات بین المللی به مردم چنین میگویند که علت عمده افزایش هزینه زندگی بالا رفتن قیمت انرژی و مخصوصاً نفت است. در عین حال کشورهای نفت خیز بدلیل ویژگیهای ساخت اجتماعی-اقتصادی شان ناچار باید دلارهای نفتی را بابت خرید کالاها اساسی مورد نیازشان به انحصارات امیرالیستی برگردانند. در شرایطی که عربستان نفت خود را بشکای ۲۶-۲۴ دلار میفروشد، انحصارات نفتی در بازارهای آزاد جهان مانند بازار تردام آنرا حتی تا بشکای ۴۴ دلار هم میفروشند. اینست سود باد آورده. در عین حال با افزایش مداوم قیمت نفت، قدرت خرید کشورهای نفت خیز مرتباً کاهش می یابد. یعنی اوپک آنوقت که نفت را بشکای ۱۰ دلار میفروخت قدرت خریدش بیش از وقتی بود که بشکای ۲۰ دلار نفت میفروخت. از طرفی کشورهای نفت خیز با توجه به اوضاع عمومی دنیا چاره ای ندارند جز اینکه بهای نفت را مرتباً نسبت به افزایش مواد وارداتی خود، بالا ببرند. در اینجا این امر تعیین کننده است که این کشورها چه سیاستی را برای خرج کردن درآمدهای نفتی خود اتخاذ میکنند. آیا آنرا در جهت رشد بنیادهای اقتصادی ملی قطع وابستگی بکار میگیرند یا راهی بازارهای جهانی میشوند و کالاها را مصرف میخرند. در عین اینکه اوپک ناگزیر است بهای نفت را افزایش دهد، برنده اصلی بازی کمپانیهای نفتی هستند. اما این خود به نام زونی رشد رشتههای مختلف اقتصادی در جهان امیرالیسم دامن میزند و تضادهای درونی آنرا بیش از پیش عمق میبخشد. گاروبین مدیر عامل اکسون، بزرگترین کمپانی نفت در جهان گفته است که ۳ درصد از درآمد سه ماهه اول امسال این شرکت ناشی از تقویت دلار است. واحد محاسبه بهای نفت دلار است. کاهش ارزش دلار، درآمد واقعی کشورهای نفت خیز و کمپانیهای نفتی را میکاهد و افزایش آن، درآمدشان را اضافه میکند. در عین حال کاهش ارزش دلار در کوتاه مدت سبب میشود که کالاها را صادر کنند و در رقابت بیشتری با دیگر رقبای خود داشته باشند و ضمناً این کاهش سبب میشود که هزینه سوخت برای تولیداتشان کاهش یابد. ... اینها دعواهای درونی عوسسات مختلف انحصارات غول آسای بین المللی است و بهرحال این نکته روشن است که از هر طرف شود گذشته بنفع لشکر مستعنان جهان است.

قیمت نفت بالا میروند و ارزش دلار افزایش می یابد. این جشن کمپانیهای نفتی است. اما در واقع امر، انحصارات بالیهان میخندند و با چشمهایشان میگردند. چاره ای ندارند. این سرنوشت محتوم امیرالیسم است. این بین بستها عینیت تضادهای گریزناپذیر سرمایه های مالی جهانی است، که یک پای آن مرگ است. اوپک باید برای فروش بهای نفت مبارزه کند، چرا که مجبور است، اما در عین حال نفع اصلی را وقتی اوپک خواهد برد که دلار را بعنوان واحد محاسبه بهای نفت با مجموعه ای از ارزها تعویض کند و درآمد نفتی خود را در خدمت رشد اقتصاد ملی قطع وابستگی بکار گیرد.

**اخبار افغانستان**

روز زده و خورد شدیدی بین مجاهدین افغانی و قوای اشغالگروس و دست نشانگان افغانی شان صدها تن از نیروهای دشمن کشته میشوند. بدنبال این درگیری میگ ها و توپخانه روسی این روستا ها را زیر بمبارانهای سخت هواپی و زمینی گرفته و هزاران خانه را با خاک یکسان میکنند. بخاطر تخلیه کردن این دهات از طرف مجاهدین تنها ۸ زن و کودک بهلاکت میبرند.

بنابگزارش رسیده از افغانستان، ارتش مهاجم روسیه در اوائل اردیبهشت ماه به شهر هرات حمله میکند و بدنبال آن زدو خورد بیین ارتش روسیه و مردم این شهر در میگیرد. مردم مبدل از هرات با دست خالی وسلاحهای اندک موفق به آتش کشیدن دو تانک روسی و پاشین انداختن یک هلی کوپتر توپدار میشوند. ارتش اشغالگروس متحمل تلفات زیادی میشود.

در هفته گذشته دو نفر از اعضای حزب دست نشانده "خلق" بنام های محمد شاه و عبدالرحمان شهردار هرات توسط مبارزین اعدا انقلابی شدند.

بر اساس گزارش حرکت انقلاب اسلامی افغانستان و جمعیت علماء، در هفته اول اردیبهشت ماه قوای اشغالگر روسیه جهت فرو نشاندن مقاومت روستائیان استان هرات در آنجا به برنا "پاکسازی" خود چهار روستا را در غرب استان هرات از شعاع ۲۵ کیلومتری تحت محاصره کامل خود در آورده اند. در طی سه

جنوبی نیز روز شنبه گذشته (۱۳ اردیبهشت) در حدود هفت هزار دانه شجود دست به تظاهرات و راهپیمایی در دو دانشگاه بزرگ این شهر زدند. تظاهرات کنندگان خواستار پایان حکومت نظامی و اصلاحات فوری دیکراتیک شدند. در دانشگاه ملی سولایان شجریان در راه پیمایی خود خواستار برچیده شدن حکومت نظامی ۱۴ ماهه میشوند. آنها تهدید کرده اند که اگر خواسته های آنان برآورده نشود، دامنه تظاهرات را به خیابانها خواهند گشادند. گروه دیگری از دانشجویان سول دیروز ضمن تحصن در دانشگاه، خواستار استعفای "چواکیوماه" رئیس جمهوری دست نشانده و دیکتاتور کره جنوبی شدند.

**از سول تا کابل مبارزه علیه ابرقدرتها**

مبارزه و مقاومت بر علیه سلطه و ابر قدرت ها در سرتاسر گیتی در حال اوج گیری و گشتوش است. در همه جا مردم میخواهند آزاد زندگی کنند و از تحکیم و فشار آمریکا و روس و حکام دست نشانده شان خلاص شوند. خلق ها و ملل زیر ستم میخواهند سرنوشت و آینده شان را خود تعیین کنند نه مثنی جیره خوار و وابسته به ابر قدرتها. ستم دیدگان گیتی دیگر آگاه شده اند و فریب شعارهای تو خالی و عوام فریب "دمکراسی و پیشرفت" آمریکا و "متحد طبیعی خلق ها" ی روس را نمیخورند. خلقهای دربند بر علیه هر نوع ظلم و ستم ابر قدرت ها تحت هر شعاری که باشد به مبارزه برخاسته اند. هفته گذشته بمناسبت دومین سالگرد کودتای سنگین برزنف - تره کی از طرف رژیم سرسپرده ببرگ کارمل اقدام به برگزاری جشن در مناطق اشغالی میشود. دانشجویان میهن دوست و مبارز زبیر پائی این خیمه شب بازی ممانعت بعمل میآورند که منجر به زدو

خورد در دانشگاه کابل میگردد. دانشجویان دست به تظاهرات در محوطه و بیرون دانشگاه میزنند و شعارهایی از قبیل "مرگ بر روسیه"، "مرگ بر بزرگ کارمیل" و "روسی بروگشو" میدادند. بلافاصله قوای اشغالگروس مستقر در کابل خیابانهای اطراف دانشگاه را محاصره کرده و شروع به تیراندازی بسوی دانشجویان میکنند. در اثر این تیراندازی ها بیش از صد دانشجو کشته، صد و پنجاه نفر زخمی و سیصد تن دستگیر و زندانی شدند. بنابگزارش خبرگزاری فرانسه در اعتراض باین گستاخها در سراسر افغانستان دانشجویان دست با عصاب عمومی زدند. این خبرگزاری از قول منابع مبارزان افغانی در پیشاور گزارش میدهد که دانش آموزان در شهرهای کابل، قندهار، جلال آباد و سایر شهرهای افغانستان تصمیم گرفته اند کلاسهای خود را تحریم کنند و با مبارزین همکاری کنند. در سول پایتخت کره



# بار فقای شهید خود پیمان بندیم

## گزارش بهشت زهرا

## سخنرانی رفیق مجید زربخش عضو کمیته مرکزی حزب رنجبران ایران

اوضاع کنونی

مادران شیردل و قهرمان ما، خانواده شهدا، رفقا و دوستان گرامی- ما امروز در این مکان- در این مظهر آزادگی و آزادیخواهی خلق ما، در این یادگار دلاوریهای فرزندان قهرمان مردم، گردهم آمده‌ایم تا خاطره سه رفیق شهید و راه آزادی و استقلال میهن را گرامی بداریم.

رفقای شهید ما همچون سایر رزمندگان قهرمان انقلابی، در دوران تیره و تاریکوت شاه مخلوع در شرایطی که ابرهای تیره‌تر و آخوردگی نیمه‌راه ماندن، عجز و ناتوانی در ناتوانان ایجاد میگردد.

دردورانی که از یکسو در زیر تازیانه های رژیم محمدرضا شاه و از سوی دیگر در برابر شانز و تحریک گروههای جدا از توده خستگی نپیشا ختنند، با ایمان و اعتقاد ویژه آنان با ایمان و اعتقاد همه یویندگان راه آرمانهای طبقه کارگر بی تردید خستگی ناپذیر تا آخرین لحظه به مبارزه خود ادامه دادند و در سایه جلالهای رژیم شاه در زیر شکنجه‌های حیوانی قهرمانانه جان باختند و اسرار خود و ملت خود را با خود بگور بردند.

امروز ما بزرگان این قهرمانیها و به پاس زحمات شبانه روزی آنان، به پاس فداکاریها و جانبازیهای آنان با وفاداری بعهدیکه با آنان بسته بودیم راهشان را تا ایجاد ستاد پیشرو زحمتکشان میهن ما، تا ایجاد حزب رنجبران ایران ادامه دادیم. بنابراین بجاست در شرایط بزرگداشت سالروز شهادت رفقا برای ادامه مبارزه بخاطر برافراشته نگه داشتن این پرچم، بر چمی که به بهای خون رفقای ما، به بهای شهادت ها و قهرمانیها بمارسیده است سوگند بخوریم. سوگند بخوریم که برای تحکیم استقلال و آزادی میهن ما،

هم اکنون پانزده ماه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران برهبری امام خمینی میگذرد- پیروزی که به بهای شهادت دهها هزار شهید میهن به بهای مقاومت سرسختانه یک خلق بیا فراوان بدست آمدلکن امروز با وجود گذشت ۱۵ ماه از پیروزی این انقلاب، ماهمچنان در گوشه و کنار میهن مان با اغتشاش باهرج و مرج با وجود کانون های متعدد قدرت، با جنگ داخلی و برادرکشی در مناطق اقلیتها و در کردستان با شورش و هجوم به مردم و اجتماعات و با سرکوب از طرف بخشی از دستگاه حاکمه مواجه هستیم.

امروز پس از گذشت ۱۵ ماه از پیروزی انقلاب ایران، علیرغم اراده استوار خلق ما مبنی بر تعقیب خط نه شرقی نه غربی، مبنی بر تعقیب شعار "نه آمریکا، نه روسیه، زنده باد ایرانی مستقل و منگی بخود" علیرغم همه این خواست توده‌ها، در بخشی از هیئت حاکمه ایران با مدارا جویی در برابر ابرقدرت شوروی و سیاستهای نادرست و درگ نادرست در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا مواجه هستیم.

با وجود گذشت ۱۵ ماه از پیروزی انقلاب ایران و تثبیت خط نه آمریکا نه روسیه بعنوان شعار اساسی و مضمون اساسی مبارزه توده‌های خلق ما، امروز با جریان یافتن مذاکرات، تنظیم پروتکل‌ها و عقد قراردادهای با ابر قدرت شوروی واقار وابسته بان هستیم.

قدرت و در صورت استفاده از امکانات موجود در عرصه بین‌المللی و گسترش روابط با کشورهای که امکان گسترش روابط با آنها بر اساس سود و صرفه متقابل موجود است قادر خواهیم بود ایرانی مستقل و منگی بخود بنا کنیم.

معینا مبارزه بخاطر استقلال. مبارزه برای ادامه راه شهیدان سنها به مبارزه در برابر تهدیدات دو ابر قدرت محدود نمیشود.

تحکیم و دفاع از استقلال میهن و ایجاد یک جبهه وسیع مبارزه برای ساختمان کشور از سارره علیه انواع اجحافات از مبارزه بخاطر آزادی، از مبارزه بخاطر عدالت احتماعی نیست. در شرایطی که هسچنان بیکاری در کشور مابیداد میکند. در شرایطی که بخش عظیمی از صنایع میهن ما بحالت نیمه تعطیل درآمده است، در شرایطی که انواع اجحافات جریان دارد در شرایطی که جنگ ویرادرکشی هسچنان بطور روزمره در گوشه و کنار ایران ادامه دارد. دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران اگر یک ادعای بی اساس نباشد حداقل با مشکلات فراوانی مواجه خواهد بود که اساس استقلال میهن ما را هم مورد مخاطره قرار خواهد داد.

بهمین خاطر است که حزب رنجبران ایران از فرادی پیروزی انقلاب اسلامی باروشن بینی سه اصل استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را بمنابسه اصل تفکیک ناپذیر، برای تحکیم دست آوردهای ایران، برای ادامه انقلاب ایران و برای تضمین بازسازی مستقل میهن، مطرح کرد و برای تحقق این سه اصل خلق اتحاد بزرگ ملی، یعنی اتحاد سه جریان بزرگ اجتماعی، اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی را ارائه داد و در راه تحقق آن به مبارزه پرداخت. رویدادهای پس از پیروزی انقلاب تا کنون صحت خط مشی حزب ما را نشان داد. مبارزه برای تحقق وحدت این سه جریان مبارزه‌های دشوار و مبارزه‌های طولانی است. این دشواری مبارزه

# کارزار باند کیانوری علیه استقلال طلبان

## تحت پوشش مبارزه با «مائوئیسم»

روشن است که حملات حزب نوده بر علیه پیروان اندیشه مائو در واقع حمله سیاسی علیه کسل جریان استقلال طلبی و بر علیه کل جنبش ضد امپریالیستی خلق ماست. از سوی دیگر دارو دسته کیانوری می‌کوشد با جازدن تریاشات انحرافی و انارشستی "چپ‌نما" بنام "مائوئیسم" پیروان اندیشه مائو را با آنان هم هویت جلوه دهد، و بخیال خود در میان توده‌ها منفرد سازد. باند کیانوری حتی جریان‌های انحرافی را که بد دشمنی آشکار با اندیشه مائو برخاسته‌اند (چون راه کارگر، حزب قلابی توفان، و رزمندگان ...) در عین حال با انقلاب اسلامی ایران نیز دشمنی

باند کیانوری این برجمدار سیاست وابستگی بد شرق و خیانت بد مارکسیسم-لنینیسم، همواره بسا اندیشه مائوئیسم دون دشمنی کرده است. این دشمنی علاوه بر بعسد ایدئولوژیک آن (خصوصت رویونیسم مدرن با مارکسیسم-لنینیسم) دارای ابعاد سیاسی نیز می‌باشد. اخیرا حملات رهبری حزب توده، علیه هواداران اندیشه مائوئیسم دون تحت عنوان حمله علیه "مائوئیسم" آهنگ و شدت خاصی یافته است. این حملات از بعد سیاسی مساله، یعنی خصومت آنان با خط مشی "استقلال طلبی" سرچشمه می‌گیرد.

در حالیکه از سوئی جریان استقلال طلبی در میهن ما روزبه روز شدت و قوت بیشتری می‌گیرد و توده‌ها در زیر شعار "نه شرقی، نه غربی" به مبارزه ضد امپریالیستی خود ادامه دهند. باند کیانوری و دسته‌های چپ‌نمای بیرو خط روس می‌کوشند تا در این جریان اختلال بوجود آورند. باند کیانوری چنین می‌نماید که مبارزه ضد امپریالیستی خلق ما تنها "ضد آمریکا" است و وابستگی به شوروی سوسیال امپریالیستی نجات بخش توده‌های ماست. بسا توجه به اینکه طرفداران راستین اندیشه مائو بیکبرترین پیروان خط نه شرقی نه غربی و بهترین افشاء کنندگان چهره گرید سوسیال امپریالیسم می‌باشند. حزب توده برای انحراف مسیر مبارزه به سوی وابستگی به شرق ناچار است به این دشمنان استوار و بیکبر طبقاتی خود حمله برد.

اندیشه مائو تسه دون سلاح برائی است که ندهنیا توده‌های خلق را در مبارزه علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم یاری می‌دهد، بلکه هم چنین رجعی است که در سایه آن اتحاد تمامی اقشار و طبقات خلقی برای انجام انقلاب ملی و دمکراتیک به بهترین وجهی صورت می‌پذیرد. پس عجیب نیست که دارو دسته مزدور کیانوری که خواهان تفرقه و تجزیه نیروهای خلق، ملی و انقیاد

می‌کنند را "مائوئیستی" می‌نامد، تا طرفداری از اندیشه مائو تسه دون را مساوی مخالفت با انقلاب اسلامی جا بزند. و از این طریق مردم را علیه کمونیست های واقعی تحریک کند.

دارو دسته کیانوری می‌کوشد پیروان راستین اندیشه مائو را که همواره در راه جنبش توده‌های ضد امپریالیستی خلق مبارزه کرده و با طرح شعار "نه آمریکا، نه روسیه" در تحکیم حرکت استقلال طلبانه خلق کوشیده‌اند، با گروههای انارشستی نو نروتنکیستی و چپ نما، یکسان جا بزند. در عین حال سعی می‌کند تا عوامل اغتشاش را، یعنی رهبری غاصب چریکهای فدایی و وابستگان به روسیه را (در حزب دمکرات ترکمن صحرا...) که به درستی از سوی توده‌ها شناخته شده و مورد نفرت واقع شده‌اند، از زیر ضربه برهاند و این خشم را متوجه پیروان اندیشه مائو سازد.

دارو دسته کیانوری در حالیکه به ظاهر به اغتشاشگران و خرابکاران در مبارزه توده‌های حمله می‌برد در همان حال به سوی رهبری غاصب چریکهای فدایی خلق، و دیگر گروههای وابسته (چون حزب دمکرات) دست دوستی دراز میکند. تا جائیکه آنان را دعوت به وحدت



ندارد، افغانستان، فلسطین متحد خلق ما، آمریکا، روسیه دشمنان خلق ما و شعار، آمریکا، روسیه خون شهیدان خلق می‌جکند از جنگتان... راهپیمایی کردند و با انجام راهپیمایی مراسم پایان یافت.

**مادر شهید تقی سلیمانی :**

**همه این عزیزان خون سرخشان را به ملت ایران هدیه کردند**

بخشهایی از سخنرانی خانم سلیمانی مادر شهید تقی سلیمانی در مراسم بهشت زهرا :

سلام بر شهیدان راه آزادی و انقلاب ایران. درود فراوان من بر همه شما جوانان برومند و دلیر که در این هوای گرم زحمت کشیدید و به این سرزمینی که جوانان عزیز ما در خاک و خون خفته هستند تشریف آوردید و باز تشر از این همه لاله‌های سرخی که هدیه کردید به این عزیزان ولی فراموش نکنید که همه این عزیزانی که در اینجا خوابیده‌اند خون سرخشان راه ملت ایران هدیه کرده‌اند... آنها از جانانشان گذشتند که ما امروز رانفسی آزاد، نفسی راحت، نفسی بدون شاه و بعد از ۲۵۰۰ سال در این هوای آزاد بکشیم.

درود و رحمت خدا به رهبر عالی قدر، امام خمینی که این انقلاب را پایه‌گذاری کرده‌است و رهبری قاطع ایشان بود که ما امروز را بدست آوردیم البته با توده مردم که توده مردم سهم بزرگی داشتند... چرا بیگانه پرستی، چرا برای شوروی - چرا برای آمریکا : ما باید راه آنها را دنبال کنیم، الان این همه درگیری، این همه چند دستگی اگر شما واقعا می‌خواهید مبارزه کنید. اگر که واقعا ایران را دوست دارید خوب، آیا بهتر نیست که بیایید همه دست بدست هم بدهیم. چرا اینقدر تفرقه، چرا بیگانه پرستی چرا برای شوروی، چرا برای آمریکا. خوب آنوقت، دوباره میشود مثل دو سال پیش. پس خون این همه شهید چه میشود؟

... بیگانه دوروز دیگر به بالای سرمان می‌آید این دو ابرق قدرت مثل دو نهنگ دهن باز کرده‌اند. چرا نامی - خواهیم یک مقداری فکر کنیم چرا در دانشگاه اسلحه بدست میگیرید و بیرون را میزنید و از بیرون تو را میزنید. اینها برادر و خواهران شما هستند...

بسرمن یک کمونیست بود و من به ایده او افتخار میکنم. حالا چرا زندانیهای شهید هم کنار رفته‌اند. منم امروز دوست داشتم که رادیو تلویزیون از فرزند من اسمی میبرد. همه شما دیدید که آرش حنایتکار، وقتی که بچه مرا به عنوان معتاد خطاب کرد و گفت که در سولش خودکشی کرده‌است آن قاضی دادگاه بخودش زحمت نداد که برسد، در کدام سول؟ و از این جانی بپرسید که یک معتاد که نمیتواند مبارز باشد. من رفتم به آنجا و به آنها گفتم که آقا پسر من کمونیست بوده من که نمیگویم مذهبی بود ولی من به ایده‌اش افتخار میکنم پسر من انسان دوست بود. پسر من برای مردمش کشته شده بود... آنها گفتند که ما از شما پوزش میطلبیم گفتم در سالن در بسته. شما از تلویزیون سراسری که فرزند شهید مرا تجلیل نکردید که هیچ باو معتاد هم خطاب کردید...؟

امیدواریم که همه این خصوصیات خوبی که در این شهیدان بوده و همه شهیدایی که از خود گذشتگی نشان داده‌اند کسی هم بپا ندیده شود و ما هم بتوانیم واقعا با مردممان همدردی کنیم و دردهای کوچکشان را برآورده کنیم.

به دلیل مبارزه برسکسب قدرت قطع وابستگی از امپریالیسم راناسرحد نگهداشتن چندگروگان تاسرحد قطع رابطه با امپریالیسم امریکاتنزل داده است.

قطع رابطه با امپریالیسم امریکا یک مبارزه سخت و طولانی است که اولین آن سرنگونی رژیم شاه مخلوع - اولین گام آن در درهم شکستن اهرم اساسی حاکمیت امپریالیسم در ایران بود - قطع وابستگی به امپریالیسم امریکا یعنی بيمودن گامهای بعدی - بيمودن یک راه طولانی با ایجاد این بینش که ما با انکا به توده‌های وسیع خلق - با بسیج توده‌های مردم که حماسه‌ها و قهرمانیها آفریدند و شهادت رزمندگان میهن نمونه‌های زنده و بارز آن است قادر خواهیم بود در صورت اتخاذ یک سیاست صحیح - در صورت اتخاذ یک سیاست عدم وابستگی به امپریالیسم امریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی، در صورت گسترش مناسبات خود با جهان سوم و ایجاد یک جبهه وسیع مقاومت در برابر تهدیدات دو ابر

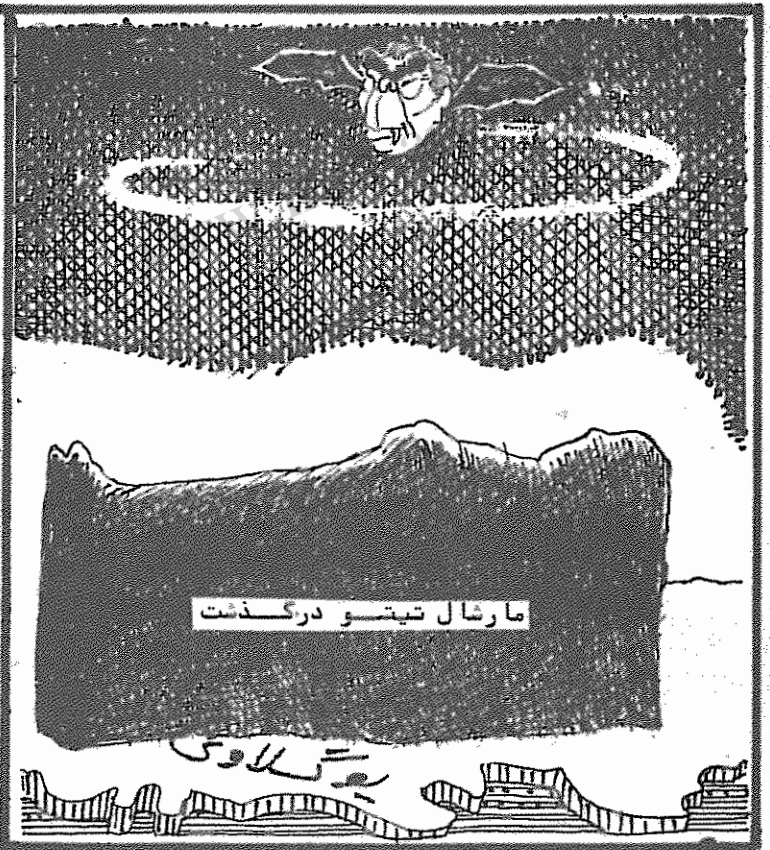
بدین موع تلاش دارند باشکال مختلف در برابر این زمینه مساعد تحقق اتحاد بزرگ ملی ایجادکنند.

دو ابر قدرت امریکا و شوروی - یکی برای تضمین نفوذ مجدد و یکی برای جانیینی ابر قدرت رقیب بطور جدی استقلال و تمامیت ارضی ایران را مورد تهدید قرار داده‌اند و به اشکال مختلف توسط عوامل مزدور خود در ایران توطئه میکنند.

در عین حال ما با دوجریان اخلاص گر مواجه هستیم : یکی جریان اخلاص جب نماهاست که برخی از آنها به حد انقیاد به امپریالیسم شوروی به پیش رفته‌اند و بخش دیگر با توهام و التقاط عملا به هیزم کش آتش سوسیال امپریالیسم شوروی تبدیل شده‌اند.

از طرف دیگر بخشی از هیات حاکمه با تنگ نظری ویژه خود، با دامن زدن به اختلافات ایدئولوژیک، با برداشتن حماق سرکوب ضد کمونیستی، با اخلاص حتی در دستگاه دولتی برای جلوگیری از تثبیت اقتدار سیاسی حکومت شکل گرس

بقیه در صفحه ۲



جنبین علیه کمونیست های راستین یعنی هواداران اندیشه مائوتسه دون توطئه می‌نماید.

لیکن کارزار "ضدمائوتیستی" حزب توده تنها متوجه هواداران اندیشه مائو نیست، بلکه همچنین علیه استقلال طلبانی است که نه تنها با غرب استنارگر (آمریکسا) بلکه همچنین با شرق متجاوز (شوروی) نیز مبارزه می‌کنند. ما بارها و بارها شاهد بوده‌ایم که چگونه دارو دسته کیانوری، شخصیت های ملی و اسلامی طالب استقلال را تنها بخاطر اینکه کلامی در مخالفت با شوروی گفته‌اند، بیاد دشنام، تحقیر و استهزا گرفته است.

بعنوان مثال در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، روسنامه مردم به روزنامه انقلاب اسلامی و مدیر آن تحت عنوان هوادار از تئوری مائوتیستی "ابر قدرت روسیه" شدیداً تاخت و نشان داد که برای این مزدوران بیگانه "مائوتیست" کسی است که روسیه را ابر قدرت بداند، یعنی ملت ایران و جمهوری اسلامی رئیس جمهور و حتی امام خمینی.

سهن از نمایندگان منتخب کارکنان وزارت کشور که از طرف کمیته مرکزی دستگیر و مدت ۳۳ روز در زندان‌های کمیته و اوین زندانسی بودند، روز چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه از زندان آزاد شدند.

این سه تن در جریان حرکت اعتراضی کارکنان مبارز وزارت کشور نسبت به اعمال انحصار طلبانه مسئولین وزارتخانه و عدم رسیدگی به خواسته‌های آنان به‌عنوان نماینده انتخاب شده و نامه سرگشاده‌ای را خطاب به رئیس جمهوری تهیه و به

ایشان تسلیم نمودند. پس از درج این نامه در روز نامه‌ها مسئولین وزارتخانه تصمیم به صدور احکام بازنشستگی زود رس برای تعدادی از کارکنان گرفته و سه نفر از نمایندگان منتخب کارکنان را هم دستگیر و به کمیته مرکزی و سپس به زندان اوین تحویل دادند. این سه تن در زمان بازداشت خود در کمیته مرکزی و زندان به عنوان اعتراض به بازداشت خود دست به اعتصاب غذا زدند و سپس در نتیجه پافشاری روی مبارزه حق طلبانه خود در داخل زندان و همچنین

(مردم) ۵ اسفند ۵۸ این منطبق باند کیانوری است، که پیگیرترین پیروان خط مشی استقلال ایران را بدترین دشمنان خود بداند. در صفوف مقدم این جریان نیز از جمله کمونیست های واقعی ایران و پیروان راستین اندیشه مائو قرار گرفته‌اند. هم از این روست که نوک بیگان مبارزه به اصطلاح "ضد مائوتیستی" باند کیانوری بدین سمت نشانه رفته است. اما در مسیر تیرهای زهر آلود این مزدوران، کلیه هواداران استقلال ایران از ۳ جریان اسلام مبارز، ملی گرایی مترقی و سوسیالیسم انقلابی درکنار یکدیگر قرار دارند.

ما مطمئنیم که جنبش استقلال طلبانه خلق ما، با شناختی که از خیانتهای رهبری حزب توده در گذشته و وابستگی علنی و سیاستهای دوگانه باند کیانوری، در حال حاضر دارد، در مبارزه با آنان و با انکا به شمار "نه شرقی، نه غربی" راه خود را به سوی استقلال کامل، آزادی و عدالت اجتماعی، متحداً دنبال خواهد کرد.

**نمایندگان منتخب کارکنان وزارت کشور آزاد شدند**

مبارزه و پیگیری افراد خانواده و همکاران مبارز خود در بیرون زندان و به علت فقد دلیل از زندان آزاد شدند.

با براءت و آزادی نمایندگان منتخب کارکنان، بازگشت مجدد آنان و سایر همکارانشان به کار که به علت شرکت در جریانات اعتراضی اخیر از کار برکنار شده اند گام بعدی است که باید برداشته شود.

**رفجر**

**ارگان حزب رفجر ایران**

صاحب امتیاز و سردبیر : فرامرز وزیری

مدیر مسئول : علی حجت

نشانی : خیابان انقلاب جنب سینما روپال

خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷

نشانی پستی : تهران - صندوق پستی ۱۴۱۰-۱۴۱۱

تلفن ۸۲۰۶۹۱

منطقه پستی ۱۵

چاپ نصرت